



افشاء مستندات اتهام^۱؛ ابزاری برای تحکیم اصل برابری سلاح‌ها (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، فرانسه و رویه قضایی بین‌المللی)

محمد آشوری^۲

محمدعلی مهدوی ثابت^۳

بهزاد رضوی فرد^۴

یاسین صعیدی^۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۱/۱۲

چکیده

بدون تردید یکی از مهم‌ترین اهداف عدالت کیفری مجازات کردن بزه‌کاران است. ممکن است چنین تصور شود که با کیفر دادن بزه‌کاران و آزاد ماندن بی‌گناهان عدالت تحقق یافته است. لکن حتی اگر مجازات متناسب با جرم در حق مرتکب اعمال شده باشد، "عدالت در دادرسی" بدون تحقق مفهوم "انصاف" کامل نخواهد شد. عدالت در دادرسی تنها کشف یک واقعه مجرمانه نیست، بلکه به معنی تحقق معیارها و تضمیناتی است که به طور کامل حقوق یک متهم را در جریان دادرسی مورد حمایت قرار دهد. لذا باید حقوق اساسی متهم در دادرسی کیفری در قوانین اساسی و عادی هر کشور مورد تاکید قرار گرفته و قانونگذار و دستگاه عدالت کیفری فرصت دفاع متهم در برابر اتهامات وارده را بدون کمترین تبعیض و نابرابری در مقایسه با دادستان و مقام تعقیب در اختیار وی قرار دهند. در این صورت "اصل برابری سلاح‌ها" و "توازن واقعی بین طرفین یک دعوی کیفری و در حقیقت گرانبگاه و هسته مرکزی" برابری" و "انصاف" و در نهایت "عدالت" در فرایند دادرسی تحقق یافته است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق اصل برابری، لزوم افشاء مستندات اتهام و دلایل توسط طرفین

¹ Disclosure

^۲ استاد و عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

^۳ استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.

^۴ استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۵ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاداسلامی، تهران،

ایران.

دعوی کیفری یعنی دادستان و متهم در مقابل یکدیگر و اعطاء فرصت کافی و تسهیلات مناسب به آنها است. تا بتوانند در وضعیتی برابر و فراهم نمودن دلایل خود نسبت به رد ادله افشاء شده اقدام نمایند. در این تحقیق ابتدا به موضوع شناخت مفاهیم و مبانی و در گفتار دوم به مهمترین طرق و شیوه‌های افشای مستندات به صورت تطبیقی با دادرسی کیفری فرانسه و رویه قضایی بین‌المللی خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها

برابری سلاح‌ها، افشاء مستندات، انصاف، دادرسی منصفانه

مقدمه

افشاء مستندات اتهام بدین مفهوم است که مرجع تعقیب (دادستان) موظف باشد کلیه اسنادی را که در جریان تحقیقات به دست آورده و یا اختیار دارد و قصد دارد بر علیه متهم به آنها استناد کند و متهم می‌تواند با اطلاع یافتن از آنها از خود در برابر اتهامات وارده دفاع نموده و موجبات برائت خود را فراهم کند و یا بتواند به نحوی از خود دفاع کند که از امتیاز تخفیف در مجازات بهره مند شود، را در برابر او افشاء نماید. اطلاع یافتن از «ماهیت و سبب اتهام» یکی از حقوق بنیادین متهم است که در اسناد بین‌المللی متعددی مورد شناسایی قرار گرفته است. از جمله می‌توان به قسمت الف از بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز قسمت الف از بند ۳ ماده ۶ کنواسیون اروپایی حقوق بشر در این زمینه اشاره کرد. این حق مستلزم تکلیف دادستان به آگاه کردن متهم از ماهیت اتهام و سبب آن است. ماهیت و سبب یک اتهام نه تنها به معنای توصیف حقوقی دقیق جرم است بلکه شامل وقایع مربوط به آن نیز می‌شود به گونه‌ای که زمینه کافی را برای آمادگی دفاع فراهم سازد. وظیفه افشای مستندات اتهام موجب ایجاد نوعی موازنه اطلاعاتی میان طرفین در راستای اجرای اصل برابری سلاح‌ها خواهد شد. یعنی آنچه در پرونده اتهامات جمع آمده و طبعاً در اختیار دادستان است به اطلاع متهم نیز رسانده شود چرا که در غیر این‌صورت در مقام دفاع در وضعیتی نابرابر و در موقعیتی ضعیف‌تر از دادستان قرار خواهد گرفت. بنابراین ارتباط معنی‌دار و لاینکفی بین حق برداشتن فرصت و امکانات مناسب برای تدارک دفاع و حق بر اطلاع یافتن متهم در اسرع وقت از اتهامات انتسابی وجود دارد و آنچه که از مفهوم برابری در این زمینه به ذهن متبادر می‌شود تساوی در دسترسی به اطلاعات است. هر دو طرف باید دسترسی مساوی به مدارک و اسناد مرتبط با پرونده داشته باشند و در نتیجه متهم حداقل باید حق دسترسی کامل به ادله‌ای که توسط

دادستان در پرونده جمع‌آوری شده است و بنیان‌های تحقیق را تشکیل داده است را داشته باشد. حق متهم برداشتن امکانات مساوی برای تدارک دفاعیات خود، در بردارنده الزام و تکلیف دستگاه قضایی برای زمینه‌سازی دسترسی کامل متهم به کلیه ادله و مدارکی است که اساس و بنیاد اتهام انتسابی را تشکیل داده است. در پرونده **جاسپرز علیه بلژیک**^۱ دادگاه اروپایی اعلام کرد که برابری در امکانات، تسهیلات حسب ماده ۶-۳-ب کنواسیون شامل اعطای فرصت برای آشنا شدن و اطلاع یافتن متهم از حقوق قانونی خود به منظور تدارک دفاعیات خویش از یک سو به همراه مطلع شدن از نتایج تحقیقات صورت گرفته از ناحیه دادسرا در زمان دادرسی از سوی دیگر می‌گردد. به نظر می‌رسد برای تضمین حق طرفین دعوی و به ویژه متهم از مفاد اتهام و ادله آن در مرحله رسیدگی به چهار روش می‌توان متوسل گردید که توسط قانونگذاران کشورهای فرانسه و ایران نیز مورد تأیید قرار گرفته است. ابلاغ کیفرخواست به متهم و تضمین حق دسترسی اصحاب دعوی به پرونده محاکماتی و تفهیم اتهام در آغاز فرایند دادرسی و تضمین تبادل مستندات دعوی. بدیهی است با اجرای راهکارهای فوق پیش از جلسه دادرسی و در خلال آن می‌توان تأیید کرد که طرفین از عنوان اتهام و ادله آن به طور کامل مطلع گردیده و برابری سلاح‌های تضمین شده است.

مبحث اول: شناخت مفاهیم و مبانی

تکلیف مقامات تعقیب و تحقیق به افشای ادله و اطلاعات مورد استناد، موجب ایجاد نوعی موازنه اطلاعاتی میان طرفین در راستای اجرای اصل برابری سلاح‌ها خواهد شد. یعنی آنچه در پرونده اتهامات جمع آمده و طبعاً در اختیار دادستان است به اطلاع متهم نیز رسانده شود. چرا که در غیر اینصورت در مقام دفاع در وضعیتی نابرابر و در موقعیتی ضعیف‌تر از دادستان قرار خواهد گرفت. مفهوم افشاء مستندات اتهام و شناخت مبانی آن در این مبحث مورد بررسی قرار خواهد گرفت.^۲

گفتار اول: شناخت مفهوم افشاء مستندات اتهام

^۱ jespers v Belgium. ECTHR.NO.8403/78.1981

^۲ کلیه مواد قانونی این دادرسی کیفری فرانسه برگرفته از کتاب: بوریکن، ژان، سیمون، آن ماری، (۱۳۸۹)، قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

افشاء مستندات اتهام که معادل آن در لسان حقوقی کامن لا، دیسکلوزر خوانده می‌شود، ابزاری بسیار کلیدی در فرایند دادرسی کیفری است که برای جبران استبداد در دادرسی و یکطرفه بودن تحقیقات در فرایند کیفری به کار گرفته می‌شود. دولت‌ها با اختیارات مطلقه خود تحقیقات راجع به جرایم را با تفتیش و بازرسی، دستگیر کردن متهم و بازجویی از او مدیریت می‌کنند. دولت دلایل مثبت اتهام را به شیوه‌ای که متهم هرگز توان مقابله با آن را ندارد، فراهم می‌کند. او اسناد و مدارک را به راحتی جمع‌آوری می‌کند، شهود را برای ادای شهادت به صف می‌کند. هیچ یک از این شاهکارها را متهم نمی‌تواند انجام دهد. حتی ممکن است متهم در سراسر فرایند تحقیقات مقدماتی در بازداشت موقت باشد و بدین ترتیب قابلیت‌های کم او برای تدارک دفاع از خود هم به صفر برسد. کوچک‌ترین اقدام وی برای ارتباط یافتن او با تحقیقات به منزله مداخله وی در امر تحقیقات قضایی و ممانعت از فرایند تحقیقات تلقی می‌شود. تنها راه مناسب برای علاج این خصیصه یکطرفه بودن تحقیقات افشاء مستندات اتهام است و همانگونه که اشاره شد، بدین معنی است که دادستان کلیه اسنادی را که در جریان تحقیقات به دست آورده و یا اختیار دارد و قصد دارد بر علیه متهم به آنها استناد کند و متهم می‌تواند با اطلاع یافتن از آنها از خود در برابر اتهامات وارده دفاع نموده و موجبات برائت خود را فراهم کند و یا بتواند به نحوی از خود دفاع کند که از امتیاز تخفیف در مجازات بهره مند شود، را در برابر او افشاء نماید. مبنای این حق متهم، تحقق اصل برابری سلاح‌ها میان دادستان و متهم به عنوان جوهر ذاتی دادرسی منصفانه ست. بنا بر تعریف دیوان اروپایی حقوق بشر، اصل برابری سلاح‌ها در صدد آن است که تضمین نماید متهم نسبت به طرف مقابل خود (دادستان) که از حمایت‌های همه جانبه دولت در تفوق خود در جریان دادرسی برخوردار است [در تدارک دفاع و ارائه آن در دعوی در وضعیت نامتوازنی قرار نگرفته باشد.. برابری سلاح‌ها بدین معناست که متهم آگاهی و اشراف کاملی بر دلایل تدارک یافته علیه خود داشته باشد و بتواند در مقابل همه دلایل ارائه شده و اظهارات افراد اعم از شاکی، شاهد و نماینده دادسرا در پرونده، اظهار نظر نماید. در همین راستا متهم باید دسترسی کامل به فایل‌های ضبط شده و مدارکی که در اختیار اداره پلیس است داشته باشد و بتواند در مقابل تمامی این مستندات و هر مستند دیگری که در خلال دادرسی ارائه گردد، اتخاذ موضع نموده و آنها را به چالش کشیده و رد کند. به منظور تقویت وضعیت متهم در رویارویی با دولتها در دادرسی کیفری، بسیار اهمیت دارد که وی به طور دقیق و همراه با جزئیات از اتهامات وارده اطلاع و نسبت به آنها اشراف یابد و قبل از آن که او مجرمیت خود را بپذیرد، به طور کامل از ماهیت ادله تدارک یافته علیه خود مطلع شود و در

صورتی که قصد پذیرش اتهام خود را دارد با چشم باز و آگاهی دقیق از موضوع و ادله به این کار اقدام نماید و در نهایت باید به وی زمان کافی و مناسب برای تدارک دفاع داده شود. همانطور که در دعوی انگلیسی R v McLikenny مورد تاکید قرار گرفته است: "نابرابری در منابع اطلاعاتی میان متهم و دادستان، زمانی ترمیم می‌شود که دادستان قانونا مکلف باشد تمامی نتایج تحقیقات خود را در مرحله تحقیقات مقدماتی، که ممکن است به متهم در دفاع مطلوب از خود کمک نماید، در دسترس متهم قرار دهد"^۱. به موجب منشور حقوق و آزادی‌های کانادا متهم موظف است که شرحی از مستندات خود را به اطلاع دادستان به صورت کتبی برساند. همچنین به موجب ماده ۲۷۶ قانون جزای کانادا متهم موظف است که به صورت مکتوب قصد خود را در استناد به دلیل مبنی بر اثبات داشتن روابط جنسی شاکه در گذشته را به دادستان اعلام نماید.^۲ در انگلستان متهم موظف است دادستان و دادگاه را از ماهیت دفاع خود در خصوص اتهامات مندرج در کیفرخواست مطلع نماید چراکه عدم افشای دفاعیات متهم به ویژه دلایلی که نیازمند بررسی و تحقیقات خاص علمی است، دولت را در موقعیت نامتوازنی نسبت به متهم قرار می‌دهد. در حقوق اسکاتلند متهم مکلف است تا ده روز قبل از جلسه رسیدگی نسبت به افشای دلایل خود مبنی بر مستی حین ارتکاب جرم، بی‌اختیاری در حین ارتکاب جرم، اشتباه و دفاع مشروع در مقابل دادستان اقدام نماید. تکذیب و رد ادعای متهم توسط دادستان ممکن است نیازمند بررسی‌های فنی و تخصصی باشد. در این صورت دادستان می‌تواند از دادگاه تعویق جلسه رسیدگی را به منظور مشورت با کارشناسان خود یا تعیین کارشناس تخصصی برای اظهار نظر تخصصی و رد مدعای متهم تقاضا نماید. افشای دلایل توسط متهم در زمانی که به اختلالات روانی و یا دفاع مشروع برای تبرئه خود استناد می‌کند، در حقیقت مغایر با حق سکوت متهم و یا فرض برائت او نیست چرا که در اینگونه موارد (عوامل موجهه جرم) متهم ارتکاب جرم را پذیرفته است لکن عقیده دارد که به دلیل برخی از شرایط و عوامل موجهه جرمی واقع نشده است.

گفتار دوم: شناخت مبانی افشاء مستندات اتهام

¹ 426; "Since the prosecution enjoys considerable facilities derived from its powers of investigation, 2005 Modern Law Review 737- 752.

² Sabrina Lavric. Le Principe d'egalite` des armes dans Le proces` pe`nal. 2011. Editions universitaires europeennes.

افشاء مستندات اتهام ریشه در حق افراد در بهر مندی از دادرسی منصفانه دارد. بدیهی است که دادستان از امتیازات فوق العاده ای نسبت به متهم نه تنها در گردآوری دلایل بلکه در آزادی عمل و فرصت داشتن برای آماده سازی پرونده خلال ماهها و یا سالها قبل از تفهیم اتهام به متهم برخوردار است. به همین دلیل نه تنها در فضای تئوریک بلکه در عمل نیز عمیقا این عدم توازن میان دادستان و متهم بروز و ظهور دارد. دولت‌ها در مداخله در تمامی شئون زندگی افراد از اختیارات موسع برخوردارند و دادرسی کیفری نیز از این قاعده مستثنی نیست. اختیارات دولت‌ها در برابر افراد در مرحله پیش از محاکمه بسیار افزون‌تر است. دولت اختیار انجام تحقیقات، تفتیش و بازرسی و توقیف اموال و بازداشت متهمان را دارد در حالی که متهم به هیچ وجه از چنین اختیاراتی برخوردار نیست. در قوانین کشورهای دموکراتیک دادستان موظف است نتایج تحقیقات خود را ولو به نفع متهم و تبرئه کننده او باشند را در اختیارش قرار دهند با دسترسی متهم به مستندات دادستان، اعتبار و مرتبط بودن شهود دادستان قابل آزمودن و اعتبارسنجی است. از سوی دیگر فرایند دادرسی نیز ممکن است کوتاه تر شود چرا که ممکن است متهم در وضعیتی باشد که مفاد اظهارات شهود و مستندات دادستان را که مغایرتی با منافع او ندارد؛ بپذیرد.^۱ افشاء مستندات اتهام اصل برابری سلاح‌ها را نیز در فضایی ترافعی تقویت می‌کند و در نتیجه تحقق دادرسی منصفانه را در سیستم‌های عدالت کیفری در پی خواهد داشت. قاعده افشاء مستندات اتهام در سیستم حقوقی کامن لا نیز پیش از تصویب قانون حقوق بشر به رسمیت شناخته شده بود.^۲ محاکم انگلستان نوعی برابری و توازن را در شرایطی که دولت بر اساس منافع عمومی مخالف با افشای ادله بود، به وجود آوردند. در یک سو تمایل به حفظ منافع جامعه و در سوی دیگر تضمین منافع عدالت قرار دارد. زمانی که منافع عدالت با آزادیهای شخصی افراد مرتبط است، باید وزن بیشتری برای منافع عدالت و در نتیجه ترجیح آن بر منافع دولت‌ها قائل شد.^۳ لرد تیلور ضمن پذیرش نظریه برابری تاکید می‌کند مستندات چالش ساز قطعا باید در برابر متهم افشاء شوند، شاید منتهی به احراز برائت متهم و پیشگیری از عقیم ماندن عدالت گردد. رویه قضایی دیوان اروپایی نیز بر محوریت افشاء مستندات اتهام، در فرایند دادرسی منصفانه و برقراری مفهوم برابری در فضای دادرسی ترافعی تاکید نموده است. کمیسیون اروپایی حقوق بشر در راستای تحکیم مفهوم افشاء مستندات اتهام،

¹ S 373 of the Criminal Procedure and Evidence Act.

² See R v Maguire and Others [1992] 2 W.L.R. 767 (CA) (regarding scientific evidence). Thus was extensively modified by the English Criminal Procedure and Investigation Act 1996 c 25.

³ R v Governor of Brixton Prison ex P Osman (No1) [1992] 1 ALL E.R. 108.

در دعوی^۱ *Jespers v Belgium* اشاره نموده است که زمانی که دادستان ادله را جمع اوری می کند، این کار را برای هر دو طرف دعوی یعنی دادستان و متهم انجام داده است و در نتیجه متهم نیز اجازه دارد از دلایل گردآوری شده در فرایند تحقیقات مقدماتی بهره مند گردد و از این دلایل در جهت براءت خود و یا کاهش مجازات استفاده نماید. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در دعوی^۲ *Lamy v Belgium* اعلام کرد زمانی که متهم نخستین بار در شعبه جزایی دادگاه بلژیک جهت رسیدگی به اعتراض به قرار بازداشت خود حاضر شد، عدم دسترسی وکیل مدافع وی به محتویات پرونده که در اختیار دادستان بود، متهم را از به چالش کشیدن مناسب قرار غیر قانونی بازداشت خود محروم کرد. دیوان اروپایی تصریح کرد که بسیار مهم و حیاتی بود که وکیل مدافع متهم دسترسی به مستندات دادستان در پرونده داشته باشد و بتواند قرار بازداشت ناموجه موکل خود را به چالش بکشاند و ملغی کند. دیوان در ادامه افزود در شرایطی که متهم از امتیاز دسترسی به پرونده محروم شده است، دادستان با پرونده و محتویات آن کاملاً مانوس و آشنا بوده و این موضوع منتهی به عقیم ماندن اصل برابری سلاح ها گردیده است. در دعوی^۳ *Jasper v United Kingdom* دیوان اروپایی با تأکید بر محاسبه و مقایسه منافع متهم و جامعه در دادرسی کیفری تصریح نمود: "حق برخورداری از افشاء مستندات اتهام، و افشای دلایل در دعاوی کیفری حقی مطلق نیست. در دادرسی های کیفری باید منافع طرفین دعوی را محاسبه نمود. از یک سو منافع عمومی قرار دارند از قبیل امنیت ملی، لزوم حمایت از شهود در برابر خطر تعرضات احتمالی تلافی جویانه و یا لزوم محرمانه ماندن شیوه های تاکتیکی پلیس در کشف جرایم. در دادرسی کیفری باید اهمیت این نوع از منافع عمومی در مقایسه با منافع متهم مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد. در این گونه موارد ضروری است که از افشای برخی از مستندات در برابر متهم به منظور حمایت از حقوق بنیادین افراد دیگر و یا تضمین مصلحت مهم عمومی دیگر، خودداری شود. ماده ۶-۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تنها در چنین شرایطی اعمال برخی از محدودیتها را در حقوق دفاعی متهم تجویز می نماید."

برجسته ترین دلایل مخالفت با افشای اسناد توسط متهم در برابر دادستان این است که اقدام به افشاء مستندات اتهام، توسط متهم، با هسته مرکزی و اساسی حقوق بنیادین او در

¹ *Jespers v Belgium* . ECTHR.NO.8403/78.1981

² 11 (1989) E.H.R.R. 529. See also Azzopardi "Disclosure at the Police Station, The Right of Silence and DPP v Ara" 2002 Criminal Law Review 295 297.

³ *Jasper v United Kingdom* (2000) 30 E.H.R.R. 441.

دادرسی عادلانه از قبیل فرض براءت، حق سکوت و منع از متهم نمودن خود مغایرت دارد.^۱ از سوی دیگر افشاء مستندات اتهام، متهم از دیدگاه تئوریک می‌تواند اینگونه توجیه شود که دادرسی‌های کیفری در جستجوی کشف و احراز حقیقتند و در این مسیر افشای اطلاعات توسط متهم به تحقق این هدف غایی فرایند کیفری کمک می‌کند.^۲ در عمل تجویز افشاء مستندات اتهام، توسط متهم از یک سو موجب افزایش راندمان و بهره‌وری دادرسی کیفری می‌شود و از سوی دیگر مانع از مستتر شدن متهم پشت مخفی‌گاه‌های سری و کاهش پیچیدگی‌های دعاوی و کوتاه شدن فرایند دادرسی خواهد شد.^۳ افشای دلیل قبل از آغاز محاکمه در دادگاه بر پایه قواعدکامن لا استوار است. در دعوی موسوم به *Mogatla v The State* دادگاه اعلام کرد از آنجا که دولت وظیفه دارد شواهد و مدارک خود را افشاء نماید؛ در مقابل متهم نیز مکلف است قبل از آغاز رسیدگی در دادگاه دولت را متوجه و مطلع از ادله خود نماید تا بدین ترتیب فرصت کافی برای تحقیق و تفحص در مورد آن دلایل برای دولت (دادسرا) وجود داشته باشد. دادگاه تاکید نمود که: "حسب قواعد و حقوق حاکم بر دلایل، بار اثبات کذب بودن دلایل ارائه شده توسط متهم بر عهده دادستان است. عقل سلیم حکم می‌کند که قبل از آغاز رسیدگی به دعوی در دادگاه، دلایلی را که متهم قصد دارد در مقام دفاع از خود در دادگاه ارائه کند به اطلاع دادستان رسانده شود تا دادستان فرصت کافی برای تحقیق در خصوص صحت و سقم آن دلایل را داشته باشد. لذا متهم باید در اسرع وقت دلایل خود را مبنی بر اینکه در زمان و یا مکان ادعایی برای ارتکاب جرم حضور نداشته و در محل خاصی به غیر از محل ارتکاب جرم بوده است را به اطلاع شاکی و دادستان برساند".^۴ ضمانت اجرای این افشاء مستندات اتهام، توسط متهم، در دعوی فوق معین نشده است، لکن در دعوی دیگری موسوم به *Ross v State* به طور مختصر اشاره شده است که عدم افشای دلایل توسط متهم قبل از آغاز محاکمه، موجب عدم پذیرش و رد آنها در مرحله محاکمه توسط دادگاه خواهد شد. در حقوق

¹ McEwan Co-operative Justice and the Adversarial Criminal Trial: Lessons from woolf report in Doran & Jackson (eds) *The Judicial Role in CRIMINAL Proceedings* (2000) 171 179; McEWAN *Evidence and the Adversarial Process (the Modern Law)* 2 ed (1998) 18.

² Griffith *Pre-trial Defence Disclosure: Background to the Criminal Procedure Amendment (pre-trial Disclosure) Bill 2000 Briefing Paper No 12/2000 introduction.*

³ McEwan Co-operative Justice 178; McEwan and the Adversarial Process 17.

⁴ 199 E-F; *State v Mogatla alias Sekukuru* [2007] 3B.L.R. 507

کانادا نیز متهم مکلف شده است که به موقع وبه شیوه مناسب نسبت به افشای دلایل بی‌گناهی خود در برابر دادستان اقدام نماید.^۱

لزوم افشای دلایل توسط متهم در مرحله پیش از محاکمه موجب افزایش راندمان و کارآمدی در رسیدگی‌ها می‌شود. افشاء مستندات اتهام، مانع از مخفی کردن واقعیت توسط متهم و ارائه دلایل در دقایق پایانی توسط او می‌شوند به ویژه اگر رد این دلایل توسط دادستان نیازمند اعطاء فرصت جهت انجام تحقیقات و تفحص در خصوص صحت و سقم آنها باشد. لازم به ذکر است که در افشاء مستندات اتهام، انگونه که دادستان ملزم به افشای دلایل است به معنای تحمیل وسیع مسوولیت ارایه دلیل بر متهم نیست. چنین تحمیلی تنها باعث تشدید هرچه بیشتر نابرابری میان متهم و دادستان خواهد شد. مهم‌ترین موضوعی که در فرایند افشاء مستندات اتهام، باید مد نظر قرار گیرد، تحقق موضوع انصاف در دادرسی است و گستره اعمال آن را تنها با مقیاس انصاف باید سنجید و تا آنجا که اقدام به افشاء مستندات اتهام، منطبق با انصاف در دادرسی است، اجازه اقدام به آن را داد. مهم‌ترین توجیه برای انجام افشاء مستندات اتهام، افشای مستندات دعوی، رفع نابرابری میان طرفین دعوی و به ویژه اصلاح وضعیت نامتوازن متهم نسبت به موقعیت دادستان و تحقق اصل برابری سلاح‌ها به عنوان جوهره دادرسی منصفانه است.^۲ برای تحقق دادرسی منصفانه اولاً باید دولت متهم را از اتهامات منتسب کاملاً آگاه نماید^۳ ثانیاً دلایل اتهام باید به زبانی که متهم متوجه آن می‌شود در اختیار او قرار گیرد. تفهیم مناسب اتهام به متهم و آگاهی یافتن دقیق او از مستندات دعوی، لازمه قابلیت یافتن او برای تدارک دفاع از خویش است. قانون دادرسی کیفری در ماده و قانون اساسی در اصل تحقق این موضوعات ضروری دانسته شده است. قانون ایین دادرسی کیفری مقرر نموده است که یک نسخه از کیفرخواست صادره که عنوان اتهامات انتسابی در آن قید شده است باید به صورت مکتوب در اختیار شخص متهم قرار گیرد.^۴ در دادگاه ماجیستریٹ انگلستان نیز اعلامیه‌ای مشتمل بر اتهامات وارده به متهم باید در اختیار او قرار گیرد. کیفرخواست و یا

¹ Maude " Reciprocal Disclosure in Criminal Trials: Stacking the Deck against the Accused, or Calling Defence Counsel's Bluff?" 1999 Alberta Law Review 715 717.

^۲ ساقیان، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری با تکیه بر حقوق ایران و فرانسه، مجله حقوق قضایی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷

³ State v Keboletse [1979-1980] B.L.R. 74; Basupi V the State [2000] 2B.L.R. 1 5 (CA); Rankalo v The state [2000] 2 B.L.R. 164 (CA); Mmlati and Another v THE State [1999] 1 B.L.R. 4 (CA) Makaba v The State [1989] B.L.R. 574.

⁴ S 123 (1) (4) Criminal Procedure and Evidence Act.

اعلامیه ای که در اختیار متهم قرار می‌گیرد باید دربردارنده اطلاعات کافی در خصوص جرم منتسب به متهم همراه با موضوعات خاص هر دعوی از قبیل کیفیات مشدده جرم که آگاهی معقولی از کلیت دعوی و ماهیت اتهام وارده را برای تدارک دفاع برای متهم فراهم سازد، باشد.^۱ نخستین کارکرد این اعلامیه مطلع ساختن متهم از اتهامات مطروحه علیه اوست. از این دیدگاه، اینکه متهم آگاهی کاملی از عناصر تشکیل دهنده جرم داشته باشد، بسیار واجد اهمیت است.^۲ افشای دقیق و توأم با جزئیات مدعای شاکی [افشاء مستندات اتهام،] نقشی بنیادین در توانایی متهم برای تدارک دفاع خود دارد.^۳ تحقق اصل برابری سلاح‌ها در صورت محروم کردن متهم از دریافت اعلامیه یا تصویر کیفرخواست، امکان‌پذیر نیست. ارائه ناقص کیفرخواست و اتهامات منتسب به متهم به دلیل عدم هماهنگی با مقتضیات اصل برابری سلاح‌ها باید بی اعتبار تلقی شوند چرا که منجر به آگاهی ناقص متهم از اتهامات و دلایل آن و نیز سلب قابلیت وی برای تدارک مناسب دفاع او خواهد شد.^۴ نکته حائز اهمیت آن است که مراد از ارسال اعلامیه اتهام یا کیفرخواست برای متهم آگاهی یافتن وی از ادعاهایی است که علیه وی مطرح شده است. بنابراین اگر افشای اطلاعات و مستندات علیه متهم به شکل کامل و معقولی صورت گیرد و منتج به اطلاع دقیق متهم از محتوای پرونده گردد، جایگزین مناسبی برای ارسال اعلامیه اتهام و تبادل مستندات خواهد بود. اگر چه درج کلیه عناصر تشکیل دهنده اتهامات در اعلامیه اتهام و ارسال آن برای متهم ضروری است،^۵ لکن در مواردی که متهم به نحو درخور و مناسب از مفاد پرونده اتهامی علیه خود اطلاع یافته است، دادگاه اعلامیه اتهامی ناقص را به عنوان نقص پرونده تلقی نمی‌کند.^۶ آنچه که واجد اهمیت است آن است که ادعاهای دولت علیه متهم به شکلی به اطلاع وی رسیده باشد که او را قادر به دفاع متناسب از خود نموده باشد. در نتیجه در مواردی که به وضوح مشخص است که متهم کاملاً از مفاد ادعای مطروحه از ناحیه دادستان علیه خود آگاه بوده است و قادر است به نحو متناسب از خود در برابر اتهامات وارده

¹ S 128 Criminal Procedure and Evidence Act.

² State v Mavela [1976-1978] B.L.R. 75.

³ Ndubiwa v The State [1994] B.L.R. 30 (CA).

⁴ Negri "The Principle of 'Equality of Arms' and the Evolving Law of International Criminal procedure" 2005 International Criminal Law Review 513 551.

⁵ In Kumalo v Regina Prentice Hall Reports 1954 (1) 55 the accused was charged with assault of a police man in the execution of his duties.

⁶ State v Shadarack Tshibogo [1976-1978] B.L.R. 61; a Conviction will not be allowed to stand where the charge sheet does not disclose on offence: Sate v Botolamang Madi [1972] 2B.L.R. 56.

دفاع نماید، آسیبی به حقوق وی وارد نشده است و اشکالات تکنیکی در اعلامیه اتهام خللی به اعتبار دادرسی وارد نمی‌کند.^۱

مبحث دوم: شیوه‌های افشای ادله در فرایند دادرسی کیفری

برای تضمین حق طرفین دعوی و به ویژه متهم از مفاد اتهام و ادله آن در مرحله رسیدگی به چهار روش می‌توان متوسل گردید که توسط قانونگذاران کشورهای فرانسه و ایران نیز مورد تأیید قرار گرفته است. ابلاغ کیفرخواست به متهم، تضمین حق دسترسی اصحاب دعوی به پرونده محاکماتی، تفهیم اتهام در آغاز فرایند دادرسی و تضمین تبادل مستندات دعوی. بدیهی است با اجرای راهکارهای فوق پیش از جلسه دادرسی و در خلال آن می‌توان تأیید کرد که طرفین از عنوان اتهام و ادله آن به طور کامل مطلع گردیده و برابری سلاح‌های تضمین شده است.

گفتار اول: افشای مستندات از طریق ابلاغ تصویر کیفرخواست

حق بر اطلاع یافتن از اتهام به صورت «فوری» و در اسرع وقت جزء لازم حق بهره مندی از فرصت مناسب برای تدارک دفاع توسط متهم است. قید «فوریت» متضمن آن است که اطلاعات لازم باید به محض اینکه شخص مورد نظر به طور رسمی و از جانب مرجع صالح به ارتکاب یک جرم متهم شد و یا شخص علناً مرتکب جرم معرفی گردید. (جرائم مشهود) در اختیار وی قرار گیرد. قانونگذار فرانسوی نیز در ماده ۱-۶۳ قانون آئین دادرسی کیفری این کشور افسر پلیس قضائی و مأمور پلیس قضائی را مکلف ساخته است که «فوراً» متهم را از ماهیت جرمی که بر روی آن تحقیق صورت می‌گیرد و سایر حقوق خود در مرحله تحت نظر آگاه نماید. اطلاع یافتن یافتن متهم حتماً باید با قید جزئیات باشد و صرف اطلاع دادن عنوان اتهام به متهم کفایت نمی‌کند. به طور مثال باید رفتارهایی که از متهم بروز یافته و در نتیجه او را متهم به ارتکاب جرم نموده است و مجموع این رفتارها عناصر ارتکاب جرم را شکل داده است، به اطلاع متهم رسانده شود. همچنین اطلاع یافتن متهم از توصیف قانونی که به رفتارهای مرتکب داده شده است نیز ضرورت دارد و به طور مثال موادی از قانون مجازات که به رفتارهای مرتکب عنوان مجرمانه داده است به اطلاع متهم رسانده شود^۲ مهم‌ترین توجیه برای

^۱ S.Guinchart et alii, Droit Processule-Droit Commun et droit compare`. Paris précis. 3 eed. 2005.p.1166.

^۲ pelisser and sassi v france.[1999] ECHR.17 and -Mattoccia v Italy [2000] ECHR-383

افشای مستندات، رفع نابرابری میان طرفین دعوی و به ویژه اصلاح وضعیت نامتوازن متهم نسبت به موقعیت دادستان و تحقق اصل برابری سلاح هاست. ارسال نسخه ای از کیفرخواست برای متهم به منظور مطلع ساختن او از اتهامات مطروحه علیه اوست. از این دیدگاه اینکه متهم آگاهی کاملی از عناصر تشکیل دهنده جرم داشته باشد، بسیار واجد اهمیت است. افشای دقیق و توأم با جزئیات مدعی شاکی نقش بنیادین در توانایی متهم برای تدارک دفاع از خود دارد. تحقق اصل برابری سلاح‌ها در صورت محروم کردن متهم از دریافت اعلامیه یا تصویر کیفرخواست امکان پذیر نیست و ارائه ناقص کیفرخواست و اتهامات منتسب به متهم به دلیل عدم هماهنگی با مقتضیات اصل برابری سلاح‌ها باید بی اعتبار تلقی شود چرا که منجر به آگاهی ناقص متهم از اتهامات و دلایل آن و نیز سلب قابلیت وی برای تدارک مناسب دفاع او خواهد شد.^۱ قانون گذار ایرانی در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در پایان ماده ۳۴۲ تصریح نموده است "تصویر کیفرخواست برای متهم فرستاده می‌شود" ارسال تصویر کیفرخواست که شرح مختصر و مفیدی از محتوای پرونده تحقیقاتی است جهت تضمین حق اطلاع متهم از مفاد اتهام و ادله آن بسیار اقدام مفیدی است. چرا که در کیفرخواست مطابق ماده ۲۹۷ بندهای "پ"، "ت"، "ث" کلیه مواردی را که مطابق استانداردهای بین‌المللی ناظر بر دادرسی منصفانه می‌بایست به اطلاع متهم برسد، گنجا داده شده است. به موجب این بندها کیفرخواست باید شامل موارد زیر باشد: نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه. ادله انتساب اتهام و مستند قانونی اتهام.

مراد از نوع اتهام عبارت است از عنوان کیفری فعل ارتكابی [در مواردی که فعل مجرمانه دارای عنوان خاصی است مثل کلاهبرداری] و یا تصریح به ماده مربوطه به آن جرم [در مواردی که اعمال ارتكابی فاقد عنوان جزایی خاص و شناخته شده ای است].^۲ تا پیش از تصویب قانون آئین دادرسی کیفری ذکر جزئیات اتهام نظیر تاریخ و محل، ضرورت نداشته^۳ و در ماده اخیر التصویب ۲۷۹ ذکر این جزئیات به همراه سایر جزئیات مرتبط با متهم و اتهام انتسابی ضروری دانسته شده است. اگرچه از نظر برخی از نویسندگان حقوقی هدف قانونگذار از ذکر تاریخ و محل وقوع جرم تعیین و تشخیص صلاحیت محلی دادگاه است مع هذا شاید بتوان گفت ذکر

^۱ Negri "the principle of Equality of Arms and the evolving law of international procedure". 2005. International criminal law review. 513-551.

^۲ آخوندی، محمود. آئین دادرسی کیفری، جلد ۶، ص ۱۳۲.

^۳ خالقی، علی. نکته ها، ص ۲۳۹.

این جزئیات در کیفرخواست و ارسال آن برای متهم به خوبی اقدام قانونگذار ایرانی به تعهدات خود در دادرسی منصفانه را حسب اسناد بین المللی مورد تأیید قرار می‌دهد. طبعاً ذکر عنوان اتهامی از منظر بازپرس و دادستان در دادسرا صورت گرفته است و به هیچ وجه تبعیت از تشخیص آنان برای دادگاه لازم الاتباع نیست. از این رو حسب ماده ۲۸۰ عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر می‌شود مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست در نتیجه هر گاه دادگاه عنوان اتهامی را تغییر دهد مکلف است اتهام جدید را به متهم تفهیم تا از اتهام انتسابی مطابق مقررات دفاع کند و پس مبادرت به صدور رای نماید (ماده ۲۸۰) بدیهی است هرگاه تغییر نوع اتهام به نحوی صورت گرفته باشد که دفاع متهم جز با استمهال امکان پذیر نباشد، برای تجدید جلسه رسیدگی به منظور تدارک دفاع شایسته و متناسب متهم از خود وجود ندارد. در پرونده سدک و دیگران علیه ترکیه^۱ متهمان ابتدا به اتهام خیانت علیه تمامیت کشور^۲ متهم گردیدند و در عوض به جرم تدارک سازمان مسلحانه به منظور براندازی حکومت^۳ محکومیت یافتند. دادگاه اروپایی اعلام کرد که در صورت تغییر عنوان محرمانه توسط دادگاه داخلی ترکیه ضرورت داشت که دادگاه به متهمان امکان برخورداری از حقوق دفاعی شان به ویژه آنکه فرصت کافی را برای تدارک دفاع به نحو مفید و کار آمد در اختیار آنها قرار می‌داد. از سوی دیگر از دیدگاه کمیته حقوق بشر تنها در صورتی امکان محکومیت یک متهم به بیش از جرم مندرج در کیفرخواست وجود دارد که محکومیت وی به جرایم اضافی منطبق بر توضیحات مندرج در کیفرخواست صورت گرفته باشد.^۴

منظور از ادله انتساب اتهام اموری است که دادستان به به منظور اثبات وقوع جرم و نیز انتساب آن به متهم به آنها متوسل می‌شود و شامل "دلایل حکمی" و "دلایل موضوعی" است. دلایل حکمی استدلال به این است که عمل ارتكابی جرم است و دلایل موضوعی استدلال به این است که متهم مورد تعقیب مرتکب آن جرم شده است. در امور کیفری معمولاً دلایل و قرائن و امارات عبارتند از شکایت، شاکی، اعترافات متهم، گزارش ضابطان، شهادت شهود، گزارش کارشناسان، معاینه محلی، تحقیقات محلی و دلایل کتبی و سایر قرائن و امارات که وقوع جرم و انتساب آن به متهم را مورد تأیید قرار می‌دهند و در جریان تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس یا دادگاه تحصیل شده‌اند. آنچه که حائز اهمیت است آن است که در راستای

¹sadak and others v turkey [2001] ECHR 479.

² treason against the integrity of the state.

³ belonging to an armed organization set up for the purpose of destroying the integrity of the state.

⁴ Marques de Morais v angola. HRC communication 1128/2202.

اصل برابری سلاح‌ها و لزوم تدارک دفاع توسط متهم، هر دلیل باید به طور مستقل و شفاف به متهم تفهیم شود و دفاع متهم در برابر آن استماع گردد و سپس مبنای استدلال قرار گیرد. دلیلی که تفهیم نشده و متهم در برابر آن دفاعی نکرده باشد دلیل واقعی و قانونی محسوب نمی‌شود و نمی‌توان بر مبنای آن تصمیم قضائی را اتخاذ نمود.^۱ ابلاغ کیفرخواست به متهم منوط به آنکه با دقت و با قید جزئیات اتهامات و دلایل انتسابی تنظیم شده باشد می‌تواند تا حدودی متهم را از محتویات پرونده تحقیقاتی آگاه ساخته و در وضعیتی متوازن و ضمن تضمین اصل برابری سلاح‌ها وی را برای دفاع هرچه بهتر از حقوق خود مهیا سازد.

در فرانسه نیز مطابق قانون تحقیقات کیفری سابق مطابق ماده ۲۴۱ دادستان استان می‌بایست بعد از رای شعبه اتهام و مطابق آن کیفرخواست تنظیم می‌کرد. در قانون آئین دادرسی کیفری فعلی ماده ۲۱۵ فقط پیش‌بینی می‌کند که رای به جلب به دادرسی در دادگاه جنایی باید شامل گزارش کوتاه و وصف قانونی اعمال موضوع اتهام و نیز رای اتهام شامل قرار زندانی کردن متهم برای عملی شدن دادرسی باشد. اگر متهم آزاد باشد این قرار بلافاصله اجرا نمی‌شود. قرار جلب به محاکمه که توسط قاضی تحقیق صادر می‌شود یا رای اتهامی که توسط شعبه تحقیق صادر می‌گردد برای دادگاه جنایی ایجاد صلاحیت می‌کند. رای اتهامی در بردارنده شرح و وصف قانونی اعمال موضوع اتهام و تعیین هویت متهم است که وفق مقررات به متهم نیز ابلاغ می‌شود.^۲

گفتار دوم: افشای مستندات از طریق تضمین حق دسترسی به پرونده محاکماتی

حق بهره‌مندی از زمان و امکانات متناسب برای تدارک دفاع شامل حق دسترسی به پرونده کیفری تحقیقاتی هم خواهد شد در حقوق داخلی فرانسه به موجب ماده ۱۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری این حق مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است به موجب این ماده وکیل مدافع متهم یا وکیل شاکی می‌توانند از تمام یا قسمتی از اسناد و مدارک پرونده به هزینه خود فتوکپی تهیه نمایند، لکن این اقدام حتماً باید با اجازه و اطلاع بازپرس صورت گیرد. بازپرس می‌تواند با این درخواست وکلا مخالفت کند در این خصوص ماده ۱۱۴ مقرر می‌دارد: «بازپرس پنج روز کاری از تاریخ وصول درخواست مهلت دارد تا به ارائه تمام یا قسمتی از این روگرفتها

^۱ آخوندی، محمود. آئین دادرسی کیفری، جلد ۶، ص ۱۳۳.

^۲ استغفانی، گاستون و دیگران، (۱۳۷۷)، آیین دادرسی کیفری، ترجمه حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی

به علت ایجاد خطر در مورد بزه دیدگان اشخاص تحت بررسی (متهمین) وکلای آنها، شهود، مأمورین تحقیق به یا هر شخص دیگری که در دادرسی شرکت دارد با صدور قرار موجهی، مخالفت نماید. «اوراق پرونده نباید برای افراد ثالث غیر از اصحاب دعوی ارسال گردند به استثنای نظرات کارشناسان. هنگامی پرونده نزد قاضی تحقیق یا شعبه تحقیق است، اصحاب دعوی حق دسترسی مستقیم به پرونده را ندارند و تنها با درخواست وکیل آنها پرونده در اختیار قرار خواهد گرفت. در جلسات دادگاه جنائی مطابق ماده ۲۷۹ به هرکدام از متهمین و طرفین دعوی خصوصی به طور رایگان رونوشت صورت جلسات که حاوی نوع جرم، شهادت کتبی شهود و گزارش‌های کارشناسی است داده می‌شود. متهم و طرف دعوی خصوصی یا وکلای او می‌توانند طبق ماده ۲۸۰ با هزینه خود از کلیه اسناد دادرسی کپی تهیه کنند. در موضوعات جنحه‌ای و خلاف، در سال ۱۹۹۶ دادگاه جنائی موافقت کرد که اوراق پرونده در اختیار متهم قرار گیرد. حق دسترسی طرفین دعوی به پرونده تحقیقاتی به عنوان مقدمه‌ای لازم برای اطلاع از دلایل له و علیه خود جهت تدارک دفاع و تضمین حقوق دفاعی متهم ضرورتی اجتناب ناپذیر بود. هرچند در مرحله تحقیقات مقدماتی قانونگذار همواره محدودیتهای را به لحاظ خاصیت سری بودن تحقیقات مقدماتی در موارد ۱۹۰ و ۱۹۱ برای طرفین دعوی و وکلای آنها قائل گردیده و بازپرس را مکلف نموده است که نسبت به صدور قرار عدم دسترسی به تمام یا برخی از اوراق و اسناد و مدارک پرونده اقدام نماید و این قرار ظرف ۳ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه صالح است، لکن در مرحله رسیدگی در دادگاه هیچ محدودیتی برای دسترسی به پرونده اوراق و اسناد مندرج در آن وجود ندارد. قانونگذار صراحتاً و به طور مطلق این حق را برای طرفین دعوی یا وکلای آنها به رسمیت شناخته و در ماده ۳۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ مقرر می‌دارد: "شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رئیس دادگاه به هزینه خود از اوراق مورد نیاز تصویر تهیه کنند." این تجویز قانونگذار برآمده از خاصیت نظام‌های مختلط است که در مرحله رسیدگی در دادگاه پیرو سیستم اتهامی هستند و طرفین حق دارند که از جریان پرونده آگاه شوند و این حق ناشی از ویژگی ترفعی بودن در مرحله دادرسی است. تنها استثنای این ماده مربوط است به تهیه فتوکپی (تصویر) از اوراق پرونده در مواردی که اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و یا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی باشند (تبصره ماده ۳۵۱) به موجب ماده ۱ آئین نامه از نگهداری اسناد سری و محرمانه دولتی مورخ ۵۴/۱۰/۲، ارائه تصویر اسناد و اطلاعات طبقه بندی شده

(به کلی سری، سری، محرمانه و خیلی محرمانه) نیز به اصحاب دعوی ممنوع گردیده است.^۱ این موضوع در صدر تبصره ماده ۳۵۱ نیز مورد تاکید قرار گرفته است. باید توجه داشت که هر گاه حق دسترسی به پرونده محاکماتی از همه اصحاب دعوی سلب شود، اصل برابری مخدوش نشده است زیرا سایر طرف‌های دعوی نیز از حق حضور در دادگاه و دسترسی به اوراق پرونده محروم بوده‌اند بلکه اصل توافقی بودن دادرسی در آن دعوی رعایت نشده است، چرا که طرفین دعوی باید از مفاد پرونده اطلاع یافته تا امکان تهیه و تدارک دفاع در برابر آنها را پیدا کنند. این موضع دقیقاً توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر در دعوی نیدروست-هابر علیه سوئیس اتخاذ شده است.^۲ در خصوص استثنائات پیش بینی شده در تبصره ماده ۳۵۱ ق ا د ک نیز باید گفت مطابق استانداردهای بین‌المللی دادرسی منصفانه که بیشتر در رویه قضائی دادگاه اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد منعکس شده است، حق در دسترسی به محتویات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی حقی مطلق^۳ نیست و در شرایط خاصی نظیر امنیت ملی، دولت‌ها می‌توانند محدودیت‌هایی در دادرسی ناظر به رسیدگی به این نوع از جرائم را اعمال کنند^۴ با این وجود به هیچ وجه این محدودیت‌ها در مرحله دادرسی قابل اعمال نیست و در نتیجه مقنن هیچ گونه محدودیتی را در دسترسی به پرونده و مطالعه و اطلاع از اوراق پرونده تجویز ننموده است. بدیهی است ممنوعیت از تهیه تصویر از اسناد طبقه بندی شده و تحقیقات مربوط به جرایم منافی عنف و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی نیز بدون آنکه بتواند مانع از دسترسی و مطالعه آنها توسط طرفین گردد به هیچ وجه مخلّ حقوق دفاعی اصحاب دعوی خواهد بود. در حقوق فرانسه نیز دسترسی مستقیم وکلای طرفین دعوی و نیز متهم، مطلع و دسترسی غیر مستقیم اصحاب دعوی و نیز متهم مطلع با رعایت اصل محرمانگی تحقیقات مقدماتی و عدم افشاء محتویات پرونده در موارد ۱۱۴ و ۱۱۴-۲ و ۱۱۳-۳ به رسمیت شناخته شده است. در مرحله دادرسی نیز به طریق اولی این حق برای اصحاب دعوی و وکلای ایشان تضمین شده است. در دادگاه جنایی حسب ماده ۲۷۹ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه: "به هر کدام از متهمین و وکلای دعوی خصوصی به طور رایگان رونوشت صورتجلسات که حاوی نوع جرم، شهادت کتبی شهود و گزارش‌های کارشناسی است داده می‌شود." و

^۱ دیبا نژاد، شایسته، آئین دادرسی کیفری در نظم کنونی، ص ۳۶۷.

^۲ Niderost-Huber v Switzerland. Ecther. app. no. 18990/91-1997.

^۳ absolute Right.

^۴ Ethr.app.no.28901/95-2000

مطابق ماده ۲۸۰ متهم و طرف دعوی خصوصی یا وکلای آنها می‌توانند با هزینه خود از کلیه اسناد دادرسی کپی تهیه کنند. در این قانون طرفین دعوی (دادستان، شاکی و متهم) مکلف شده‌اند فهرست اشخاصی که تمایل دارند به عنوان شاهد استماع شوند را در صورت امکان حداقل ۲۴ ساعت قبل از برگزاری مذاکرات ابلاغ نمایند، اساس کارشناسان نیز در همین شرایط باید به طرفین ابلاغ شود (ماده ۲۸۱) ماده ۱۱۴ این قانون نیز به وکلا اجازه داده است حداکثر ۴ روز کاری پیش از هر بازجویی از شخص تحت بررسی (متهم) و یا هر شهادت مدعی خصوصی پرونده در طول روزهای کاری در اختیار وکلا قرار می‌گیرد.

گفتار سوم: افشای مستندات از طریق تفهیم دقیق اتهام و دلایل آن در آغاز رسیدگی

یکی از مقدمات لازم برای تضمین رعایت معیارهای قانونی در دستگیری و بازداشت شخص حق آگاهی یافتن از دلایل دستگیری و بازداشت است. در مهم‌ترین اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به این حق پرداخته شده است. به طور مثال، بند ۲ ماده ۹ میثاق، بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون آمریکائی حقوق بشر به این موضوع پرداخته‌اند.^۱ در مقررات داخلی نیز قانونگذار ایرانی در ماده ۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر نموده است: «چنانچه در جرایم مشهود نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله به صورت کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال ضابطان نمی‌توانند بیش از ۲۴ ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.» مبنای این ماده اصل ۲۲ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر ادله بلافاصله کتباً تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکم در اسرع وقت فراهم گردد مجازات می‌شود. ضمانت اجرایی این اصل نیز طبق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت ۳ تا ۵ سال از مشاغل دولتی محکومیت به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال خواهد بود.» در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه نیز ماده ۱-۶۳ حق اطلاع فوری شخص تحت نظر از نوع اتهام و حقوق متصوره خود را به رسمیت شناخته و مقرر می‌دارد: «هر شخص تحت نظر فوراً توسط افسر پلیس قضایی یا تحت نظارت او، توسط مأمور پلیس قضایی از ماهیت جرمی که بر روی آن تحقیق صورت می‌گیرد، حقوق مذکور در مواد ۲-۶۳، ۳-۶۳، ۴-۶۳ و مقررات

^۱ فضائی، مصطفی. دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی، انتشارات شهر دانش، چاپ سوم، بهار ۹۴، ص ۳۸۹.

مربوط به مدت تحت نظر مذکور در ماده ۶۳ آگاه می‌گردد. این اعلام در صورتجلسه قید می‌شود و اوراق توسط شخص امضاء می‌شود و در صورت امتناع از امضاء این موضوع در صورتجلسه ذکر می‌شود. ماده ۵۲- قانون آئین دادرسی کیفری ایران نیز ضابطان را مکلف نموده است که بلافاصله پس از تحت نظر قرارگرفتن مظنون به منظور رعایت اصول منصفانه دادرسی و رعایت حقوق دفاعی وی، تمامی حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به او تفهیم نموده و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار می‌دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند. حقوق مندرج در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه در مرحله تحت نظر که پلیس موظف است به متهم تفهیم نماید عبارتند از، اطلاع دادن موضوع به خانواده، معاینه توسط پزشک و تقاضای وکیل. در قانون دادرسی ایران نیز ضابطان مکلف هستند حقوق مربوط به اشخاص تحت نظر مندرج در ماده واحد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، آگاهی از موضوع و ادله اتهام انتسابی، حق دسترسی به وکیل، حق آگاه ساختن خانواده و آشنایان خود از تحت نظر بودن، و حق معاینه پزشکی را به متهم تفهیم نموده و کتباً در اختیار وی قرار دهند و رسید اخذ و ضمیمه پرونده نمایند. بدین ترتیب می‌توان گفت منظور از تفهیم اتهام عبارت از این است که «متهم از موضوع جرم و یا جرایم انتسابی به خود و کلیه دلایل و مستندات آن آگاه شود تا بتواند آگاهانه از خود دفاع کند.»^۱ قانونگذار با به کار بردن قیودی نظیر «فوری»، «بلافاصله» و یا «در اسرع وقت» ضرورت اقدام بدون اتلاف وقت و تأخیر ناموجه را برای مخاطبان خود اعم از ضابطان یا مقامات قضائی، ترسیم نموده است. به طور مثال، در ماده ۴۶ بر تکلیف ضابطان به «اطلاع فوری» نتیجه اقدامات به دادستان و یا تفهیم و ابلاغ «بلافاصله» موضوع اتهام و ادله آن، تأکید نموده است. با توجه به اینکه «فوریت» مفهومی است که باید با ملاحظه شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر هر وضعیت باید احراز گردد، قانونگذار در برخی موارد برای اجتناب از برداشت‌های متفاوت، صراحتاً مهلت مقرر را تعیین کرده است و یا از قید «به محض» استفاده نموده و یا هردو را توأمان به کار گرفته است. به طور مثال در ماده ۴۷ تأکید نموده است که ضابط باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب تحت نظر قرارگرفتن یک فرد را در خارج از اوقات اداری به اطلاع دادستان یا قاضی کشیک برساند و یا در ماده ۴۹ حداکثر ظرف یک ساعت برای اعلام مشخصات متهم تحت نظر به دادرسی محل در نظر گرفته است. در چنین مواردی باید توجه داشت که قانونگذار حفظ حقوق و آزادی‌های

^۱ آخوندی، محمود. آئین دادرسی کاربردی کیفری، ۱۳۸۴، جلد ۵، چاپ دوم، نشر میزان، ص ۱۱۸.

افراد و یا نظارت دادستان بر اقدامات ضابطان را با قید فوریت مطالبه نموده و به هیچ وجه نباید این اقدام با تأخیر صورت گیرد. اصل ۳۲ قانون اساسی نیز بر این موضوع تأکید نموده است. در خصوص تفهیم موضوع اتهام و ادله آن نیز قانونگذار در ماده ۴۶ از قید «بلافاصله» و «فوری» استفاده نموده و مقرر داشته است: «ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند.» در کنوانسیون اروپائی بشر و کنوانسیون آمریکائی حقوق بشر از واژه «فوری»^۱ و در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی عبارت «در زمان دستگیری»^۲ به کار برده شده است. بر این اساس ماده ۵۳ مقرر می دارد: «ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی و ... را در صورت مجلس قید کنند. آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند.» در ماده ۴۶ نیز همین تکلیف را در خصوص تفهیم موضوع اتهام و ادله آن به صورت فوری و کتبی به متهم و نیز ابلاغ آن به وی، برای ضابطان مقرر نموده است. بدیهی است در این ماده بدو ضابطان مکلف شده اند موضوع اتهام و دلائل آن را به متهم تفهیم کنند و در پرونده درج نمایند و سپس شرح مکتوبی از این موارد را تهیه و به متهم «ابلاغ» نمایند. به کار بردن کلمه «ابلاغ» اعلام دلالت بر لزوم کتبی بودن این اطلاعات دارد. در ماده ۵۲ نیز صراحتاً مقرر شده است که «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.»

دادگاه اروپائی حقوق بشر در آراء متعددی تأکید نموده است که اطلاع یافتن متهم باید با «قید جزئیات» باشد و صرف اطلاع دادن عنوان اتهام به متهم کفایت نمی کند.^۳ از نظر این دادگاه، اطلاعات مبهم و گنگی که در مرحله تفهیم اتهام به متهم داده می شود. (از جمله اطلاعات راجع به زمان و مکان ارتکاب جرم) باعث می شود فرصت دفاع مؤثر و مفید کارآمد از وی سلب شود.^۴ همانگونه که از آرای فوق استنباط می شود، هدف نهایی حقوق دفاعی متهم آن است که وی را قادر سازد در جریان یک دادرسی منصفانه و در شرایطی برابر و متوازن با دادستان و تحت حاکمیت اصل برابری سلاح‌ها، به نحو «مؤثر»، «مفید» و «کارآمد» از حقوق

¹ Promptly

² at the time of arrest.

³ Pelissier and sassi V FRANCE (1999) ECHR.717

⁴ Mattochia v Italy (2000) ECHR 383.

خود در برابر اتهامات وارده دفاع نماید. قانون آئین دادرسی کیفری ایران در ماده ۴۴ ضابطان را ابتدا مکلف نموده است که تمامی اقدامات لازم را جهت حفظ آلات و ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل آورند، تحقیقات لازم را انجام دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان برسانند، اسامی شهود و مطلعان در صحنه را نیز در پرونده درج نمایند. هرچند در ماده ۴۰ ضابطان از افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده و شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده منع شده‌اند. لکن در ماده ۴۶ که پس از مواد ۴۰ و ۴۴ قرار گرفته است مکلف شده‌اند در جرایم مشهود «موضوع اتهام ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی متهم ابلاغ و تفهیم نمایند.» در جرائم غیرمشهود نیز مقام قضائی مکلف است حسب ماده ۱۷۰ در احضاریه‌ای که برای دعوت متهم ارسال می‌کند علاوه بر تاریخ، ساعت و محل حضور، «علت احضار» را نیز مقید نماید. در تبصره این ماده به مقام قضائی اجازه داده شده است که «در جرایمی که به تشخیص مرجع قضایی، حیثیت اجتماعی متهم عفت یا امنیت عمومی اقتضا می‌کند، علت احضار ذکر نشود اما متهم می‌تواند برای اطلاع از علت احضار به دفتر مرجع قضایی مراجعه کند.» پس از حضور متهم نزد بازپرس نیز ماده ۱۹۵ بازپرسی را مکلف نموده است پیش از هرگونه پرسش و بازجویی «موضوع اتهام و ادله آن» را به شکل «صریح» به او تفهیم نماید... آنگاه شروع به پرسش می‌کند.» همانگونه که ملاحظه می‌شود قانونگذار ایرانی هم در جرایم مشهود و هم در جرایم غیر مشهود ضابطان و مقام قضائی را ملزم نموده اند علاوه بر «موضوع اتهام»، «ادله» آن را نیز به متهم تفهیم نمایند.

گفتار چهارم: تضمین افشای اسناد در موضوع ادله و مستندات

واضح‌ترین مفهوم اساسی مشترک میان انواع سیستم‌های دادرسی این است که هر دو طرف دعوا باید استماع شوند. این اصل به عنوان یک از مهم‌ترین اصول حاکم بر دادرسی‌های مدنی است که در جهت ترافعی نمودن آئین دادرسی و تحقق اصل برابری سلاح‌ها باید در فرایند دادرسی کیفری نیز هرچه بیشتر مراعات گردد. به موجب این اصل، قضات هرگز نباید مجاز به اتخاذ تصمیم در خصوص دعوی بر مبنای اطلاعاتی بر غیر از آنچه در جریان دادرسی ارائه شده و در معرض بحث و مجادله بین طرفین قرار نگرفته است، باشند. (بچند، ۲۰۰۵، ۲۷۰) به موجب اصل تناظر، هریک از طرفین دعوی، اعم از خواهان و خوانده حق دارند در زمانی مناسب نسبت به تمام عناصر ارائه شده به قاضی یا استخراج شده از جانب او که

قابلیت تاثیر بر نتیجه دادرسی دارند مطلع شوند و امکان مناقشه در خصوص عناصر مزبور را قبل از اتخاذ تصمیمی که موثر بر حقوق و منافع اوست داشته باشند. (حیدری ۱۳۸۹، ۱۲۴)

این ویژگی که از مهم‌ترین عناصر دادرسی اتهامی است، مبنا و اساس انصاف را تشکیل می‌دهد، ضمن محقق ساختن امکان تناظر و ترافع، طرفین دعوی را قادر می‌سازد دعوی مربوط به خود را بدون محدودیت اقامه نمایند و این موضوع و بستر مناسبی برای اجرای اصل برابری سلاح‌ها فراهم خواهد ساخت. مهم‌ترین بخش این فرایند افشای کامل دلایل از جمله استماع شهادت شهود و اظهارات مطلعین است که ذیلاً به آن خواهیم پرداخت.

بند اول: تضمین افشاء مستندات در مبحث شهادت شهود و مطلعین

حسب مقررات و اسناد بین‌المللی، «حق مواجهه با شاهد و استنطاق و پرسش از وی» یکی از حقوق مهم متهم در راستای رعایت اصل برابری و تضمین شرایط مساوی با دادستان است. احراز کشف حقیقت و حاکم نمودن عدالت در رسیدگی‌های قضائی مهم‌ترین هدف در رسیدگی‌های کیفری است. شاهد کسی است که وقوع جرم را مشاهده و یا به طریق یکی دیگر از حواس خود ادراک نموده است. مطلع نیز کسی است که وقوع جرم را از طریق مشاهده و یا سایر حواس خود ادراک نکرده، اما اطلاعاتی از وقوع آن دارد. (۳) شیوه اخذ شهادت این افراد که باید اطلاعات و مشاهدات خود را از روی قطع و تعیین اظهار نمایند در قانون آئین دادرسی کیفری پیش بینی شده است. طبیعتاً دعوت از شهود با ارسال احضاریه صورت می‌گیرد و در مواردی نیز امکان جلب و یا حتی مراجعه بازپرس نزد آنها وجود دارد. پس از حضور در شعبه بازپرسی حسب و ماده ۲۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری «تحقیق و بازجویی از آنان تا قبل از رسیدگی در دادگاه، غیرعلنی است.» غیرعلنی بودن یکی از مهم‌ترین اصول نظام دادرسی تفتیشی و نظام‌های مختلط است که تحقیقات مقدماتی باید سری و محرمانه و غیرعلنی صورت گیرد. مراد از غیرعلنی بودن نیز آن است که افرادی که سمتی در پرونده ندارند، حق حضور در جلسه استماع شهادت شهود را ندارند. علاوه بر ویژگی غیرعلنی بودن، ویژگی غیرترافعی بودن نیز در مرحله تحقیقات مقدماتی از اصول پذیرفته شده این سیستم‌ها است. بدان معنی که متهم و وکیل او حق (و مواجهه و پرسش و استنطاق از شاهد را ندارند؛ از این رو ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «بازپرس هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌کند.» اگرچه از نظر برخی از حقوق دانان استماع جداگانه شهود «برای جلوگیری از ارتباط و تبنانی گواهان با یکدیگر و یا با متهم و شاکی به عمل می‌آید. (۱) لکن

بدون تردید این شیوه استماع شهادت شاهد در مرحله مقدماتی، حقوق دفاعی متهم که در اسناد بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی مورد تصریح قرار گرفته‌اند را مورد خدشه قرار داده و وضعیت متهم را نسبت به طرف مقابل وی بسیار نامتوازن نموده و این شیوه بر خلاف اصل برابری سلاح‌ها و قاعده انصاف در دادرسی‌های کیفری است. از جمله حقوق حداقلی متهم آن است که از یک سو بتواند شهودی که جهت ادای شهادت بر علیه او در محکمه حضور یافته‌اند را مورد پرسش قرار داده و از سوی دیگر بتواند شهودی را برای ادای شهادت به نفع خود در دادگاه حاضر و در شرایط کاملاً برابر نسبت به شهود علیه خود، مورد پرسش قرار دهد. این حق بارزترین تجلی اصل توافقی بودن دادرسی و اصل برابری سلاح‌ها و منطبق بر کنوانسیون‌های حقوق بشری است. اجرای این دو حق بیانگر تفاوت دو نوع دیدگاه در نظام‌های اتهامی و تفتیشی است. در حالی که در سیستم اتهامی این دو حق به عنوان هیئت بنیادین این سیستم تلقی می‌گردد، در سیستم تفتیشی این حقوق ماهیتاً فرعی و موازی با اصل تکلیف قاضی به تحصیل دلیل و جمع‌آوری ادله و مدارک به شمار می‌رود. یا این وصف اهمیت این موضوع نمی‌تواند مستلزم خطرهای جانی، حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع باشد. انصاف اقتضا می‌کند که اگر مرجع قضائی برای انجام وظیفه خود در کشف واقع در دادرسی‌های کیفری نیازمند همکاری شهود و مطلعان است، از سوی دیگر مکلف باشد که به گونه‌ای متناسب از شهود و مطلعانی که با ادای شهادت، خود و خانواده‌شان را آماج خطرات جانی، حیثیتی یا مالی قرار داده‌اند، حمایت نماید. لزوم حمایت از شهود یا مطلعان از سوی دیگر نباید با حقوق دفاعی متهم، در تعارض باشد. بدین ترتیب حقوق متصوره کلیه اشخاص دعوی باید به نحو متناسبی مراعات گردد. **حقوق جامعه، حقوق متهم و حقوق شاهد و مطلع.** «عدم برقراری مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم»، «عدم افشای اطلاعات مربوط به متهم» و نیز «عدم حضور شاهد یا مطلع در مرجع قضائی و استماع اظهارات وی در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور» و در نهایت «اتخاذ تدابیر لازم حمایتی نظیر آموزش حفاظت از خود و یا تغییر مکان شهود یا مطلعان» از جمله موارد حمایتی است که قانونگذار در ماده ۲۱۴ برای شهود و مطلعان در نظر گرفته است و حداقل در ۳ مورد اول، احتمال وارد آوردن آسیب به وضعیت متوازن متهم نسبت به دادستان و اصل برابری سلاح‌ها را به شدت تقویت می‌کند. از این رو تبصره ۲ ماده ۲۱۴ صراحتاً و با تأیید این احتمال مقرر نموده است: «ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.» ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز گواهی مکتوب یا صوتی، تصویری زنده یا ضبط شده را با احراز شرایط و صحت

انتساب در موارد متعذر پذیرفته است. موضوع حمایت از شهود در اسناد بین‌المللی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. از جمله ماده ۱۳ کنوانسیون منع شکنجه مقرر شده است: «دولت‌های عضو باید اقداماتی به عمل آورند برای تأمین اینکه شاکیان و شهود در برابر همه رفتارهای سوء یا ارباب و تهدید در اثر شکایت یا اقامه دلیل، حمایت شوند.» تحولات مربوط به شیوه بزهکاری به ویژه بزهکاری‌های کلان و سازمان یافته و لزوم کشف و مبارزه بزهکاری و سرکوب مرتکبان از یک سو و لزوم حمایت از شهودی که با شهادت شهود در معرض انتقام جویی و خطرهای جانی حیثیتی و مالی قرار می‌گیرند از سوی دیگر، امکان توسل به «شهود ناشناس» را اجتناب‌ناپذیر کرده است. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز بر عقیده است که اگر موازنه متقابل تأمین گردد قبول شاهد ناشناس مغایر ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخواهد بود. بدون تردید رعایت توازن بین طرفین دعوی و اصول عادلانه و علنی بودن دادرسی و عنصر اساسی دادرسی منصفانه یعنی دادرسی ترافعی موضوعاتی هستند که در اثر تجویز استماع شهود ناشناس و صدور حکم محکومیت بر پایه اظهارات آنان، به شدت در معرض مخدوش شدن هستند. دیوان اروپایی در نخستین رأی خود در سال ۱۹۸۹ (موسوم به قضیه کوتوفسکی) اقدام نموده است: «شهادت شهود باید معمولاً در حضور متهم و در جلسه علنی دادگاه، به منظور بحث و گفتگویی ترافعی، ارائه شوند ولی از این مطلب نباید چنین استنتاج گردد که ادای شهادت باید همیشه در محضر دادگاه و یا به صورت علنی باشد تا بتواند به عنوان دلیل پذیرفته شود. به ویژه اینکه چنین امکانی در برخی موارد وجود ندارد.»^۱ ماده ۶ کنوانسیون به طور کلی مقرر می‌دارد که باید متهم از فرصت مناسب و کافی برای اعتراض به شهادت شهودی که علیه ادله ادای شهادت می‌کنند برخوردار شود و بتواند در هنگام ادای شهادت و یا بعداً چنین شهادی را مورد پرسش و اعتراض قرار دهد: وقتی متهم از مشخصات شهود دادستان آگاه نیست و نمی‌داند منشأ اتهام او از کجا و مبتنی بر اظهارات چه کسی بوده است و در عمل اعتراض به اعتبار شاهد ناشناس دشوار خواهد بود، محاکمه عادلانه و منصفانه چگونه می‌تواند محقق شود؟ از مجموعه رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که علی‌الاصول توجه به چنین شهادتی منجر به نقض اصول دادرسی منصفانه خواهد شد چرا که عملاً متهم در وضعیت نامتوازن و نابرابری قرار می‌گیرد. البته گاهی اوقات لزوم مراعات برخی مصالح از جمله مصالح عمومی و نیز منافع بزه دیدگان اقتضا می‌کند که دادگاه به چنین

^۱ kotovski v. the Nether lands [1989].ECHR 20

شهودی توجه نماید.^۱ در چنین شرایطی محاکم قضائی باید شیوه‌هایی را برای جبران و ترمیم این نابرابری‌ها که متهم در معرض آسیب آنها است پیش‌بینی نمایند و نباید برای محکومیت متهم و یا اخذ یک تصمیم قضائی قطعی صرفاً به چنین ادله ای اکتفا نمایند.^۲ راهکارهای دیوان اروپائی برای جمع بین تمام منافع (متهم، شاهد، جامعه) را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: اجتناب از افشای هویت شاهد باید همواره به عنوان یک استثناء در نظر گرفته شود. و در غیر از موارد ضروری، باید به اصل توجه نمود و مطابق قاعده، هر متهمی بتواند شخصاً یا توسط وکیل مدافع شهودعلیه خود را مورد پرسش قرار دهد و احضار و پرسش از شهودله را در شرایطی مشابه شهود علیه تقاضا نماید. (ماده ۳-d-۶ کنوانسیون اروپائی) مع الوصف هرگاه دلایل کافی مبنی بر ضرورت ناشناس ماندن شاهد وجود داشته باشد و ضرورت اقتضا نماید می‌توان شهادت شهود و مطلعین گمنام را نیز استماع نمود. ضرورت تقلیل حداکثری صدمات وارده به حقوق دفاعی متهم باید مطمح نظر باشد. در این راستا می‌توان شهادت شاهد را از پشت شیشه‌های رفلکسی و یا استفاده از دستگاه‌های ارتباط صوتی که امکان گفتگو بین متهم و شاهد راه فراهم می‌سازد و نیز با استفاده از سؤالات کتبی یا شفاهی و با استفاده از سیستم تغییر صدا و استفاده از نام‌های مستعار استماع نمود. و به وکیل مدافع متهم با این ترتیبات اجازه داد که سؤالات خود را در حضور قاضی از شهود مطرح نماید. دادگاه اروپائی با بیان مشکلاتی در خصوص تعقیب پرونده‌های قاچاق مواد مخدر منجمله مسائل مربوط به حضور شهود در دادگاه اظهار نظر کرد که «چنین ملاحظاتی نمی‌تواند توجیه کننده اعمال محدودیت به حق متهم جهت سؤال از شهود باشد.» ورود و مداخله یک قاضی مستقل و بی طرف برای استماع اظهارات شاهد گمنام و احراز هویت او، بررسی دلایل توجیه کننده ضرورت عدم افشای هویت و معتبر بودن اظهارات شاهد باید تضمین گردد. سرانجام اینکه حکم محکومیت فقط یا به نحو مؤثری مبتنی بر اظهارات شهود گمنام نباشد. شعبه دیوان کیفری بین المللی نیز در رأی صادره خود در سال ۱۹۹۶ در پرونده موسوم به «تادیچ»^۳ پنج معیار را نظیر آنچه در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر آمده به شرح زیر برای موازنه میان همه منافع ارائه کرد: وجود ترسی واقعی برای سلامت شاهد یا خانواده‌اش وجود داشته باشد. شهادت برای پرونده دادستان کاملاً مرتبط و مهم باشد به نحوی که ادامه پرونده بدون آن غیرمنصفانه باشد. هیچ دلیلی حاکی از غیرقابل اعتماد

¹ Doorson v. the Nether lands [1996].ECHR.14

² Van Mechelan and others v. the Nether lands [1997] ECHR 22

³ Tadic

بودن شاهد به نظر نرسد هیچ برنامه حمایتی مؤثری برای او یا خانواده اش وجود نداشته باشد. اقدامات حمایتی مورد بحث باید جداً ضروری باشد.^(۱) و^(۲) با این همه به نظر می رسد در نظام حقوقی دادرسی کیفری ایران که تحقیقات در مرحله مقدماتی به صورت غیرعلنی صورت می گیرد و امکان رسیدگی توافقی در حین استماع شهادت شهود وجود ندارد و شهود به صورت جداگانه و بدون حضور شاکی و متهم استماع می شوند و نیز حاکمیت نظام تفتیشی بر مرحله تحقیقات مقدماتی، علی الاصول این مقرر قانونی مطابق با اصل مقرر شده است. با این وجود علی رغم همه محدودیت‌هایی که عمدتاً در موارد (۲۰۶ و ۲۰۷) در نظر گرفته شده است، طرفین می توانند از هویت شهود و مطلعان مطلع شوند و اظهارات آنها را مطالعه نموده و در مقابل آن لوایح دفاعیه تقدیم کنند. علاوه بر این، امکان مواجهه حضوری در مرحله تحقیقات مقدماتی در جلسات بعد از تحقیقات اولیه از شهود و مطلعان وجود دارد. (ماده ۲۰۷) مجموعه این قابلیت‌ها از نظر قانونگذار ایرانی «حقوق دفاعی متهم» نام گرفته است و در تبصره ۲ ماده ۲۱۴، برای جلوگیری از نقض این حقوق، بازپرس مکلف شده است که ترتیبات مربوط به شهادت شهود ناشناس و یا عدم مواجهه حضوری به نحوی صورت پذیرد که «منافی حقوق متهم نباشد». هرچند هیچ ملاک و معیار و ضابطه معینی برای تشخیص این موضوع ارائه نداده و به طور تشخیص بازپرس یا مقام قضائی واگذار نموده است. ناگفته پیداست که عدم پیش بینی ضمانت اجرا برای این التزام و عدم پیش بینی مرجع دیگری برای اعتراض به این گونه اقدامات تا چه حد می تواند وضعیت متهم را در گفتار برابری سلاح‌ها با مخاطره مواجه سازد!!

الف: الزامات حاکم بر جلسه استماع شهادت شهود

حق متهم بر پرسش از شهود با اصل بی واسطه بودن^۱ و شفاهی بودن^۲ ارائه ادله مرتبط است. اصل اول بیانگر این است که حاکم مکلف است حتی المقدور اطلاعات را به صورت دست اول تحصیل نماید تا به آسانی بتواند آنها را مورد ارزیابی و اعتبارسنجی قرار دهد. این نحوه ارائه ادله (بی واسطگی) ترجیحاً به صورت شفاهی نیز انجام می شود و به طور مستقیم با اصل علنی بودن دادرسی و حمایت این اصل از حقوق متهم مرتبط است. (Desmet, 2009, p. 412) حداقل مزیتی که بر حق متهم بر پرسش از شهود متصور است آن است که گاهی اوقات در جریان رسیدگی کیفری چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و چه در مرحله رسیدگی در دادگاه،

¹ Immediacy

² Orality

متهم حتماً باید فرصت سؤال از شاهدهی که علیه او شهادت می‌دهد را داشته باشد. تنها در چهار مورد می‌توان اعمال این حق را برای متهم محدود کرد: در مواردی که شاهد به دلایل گوناگون امکان حضور در محکمه را ندارد. شاهد ناشناس، لزوم حفاظت از شاهد به دلیل جلوگیری از انتقام‌گیری از او و در نهایت برای اجتناب از مضروب و مجروح کردن شاهد یا بزه دیده آسیب‌پذیر. (Trechsel. 2005. p. 312). ماده e-2-14 میثاق و ماده d-3-6، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در دعاوی کیفری و مدنی حق پرسش و به چالش کشیدن شهودی^۱ که علیه متهم شهادت داده‌اند را داده است. کمیته حقوق بشر تصریح می‌کند که حق پرسش از شهود علیه متهم باید در راستای اجرای اصل برابری سلاح‌ها با تمام اختیارات دادستان در پرسش از شهود، یکسان و همانند باشد.^۲ بر دادرسی عادلانه اقتضا دارد که علی‌الاصول متهم بتواند فرصت به چالش کشیدن تمام اظهارات یا مفاد شهادت شهود را در جریان رویارویی و مواجهه با شاهد داشته باشد.^۳ در پرونده Dugin علیه فدراسیون روسیه عدم اجازه احضار یکی از شهود به منظور سؤال کردن یا بر چالش کشیده شدن او توسط متهم به عنوان مصداقی از نقص ماده ۱۴ میثاق تلقی گردید. به ویژه اگر دادگاه در تصمیم متخذ خود توجه و اعتنای قابل ملاحظه‌ای به شهادت داشته و رأی بر این اساس صادر شده باشد.^۴ از سوی دیگر کلیه اسناد و مدارک به دست آمده در جریان رسیدگی الزاماً باید در حضور متهم به دست آمده باشند، و همواره امکان مباحثه و ترافع بین اصحاب دعوی در خصوص همه ادله امکان‌پذیر باشد. این بدان معنی نیست که اظهارات شاهد باید الزاماً در محضر دادگاه اخذ شده باشد.^۵ استناد به اظهاراتی از شهود که در مرحله بازجویی‌های پلیسی یا تحقیقات بازپرس به دست آمده است فی‌نفسه مغایر با حق سؤال و به چالش کشیدن شاهد توسط متهم نیست مشروط بر اینکه به متهم فرصت مناسب برای به چالش کشیدن و سؤال از شاهد در همان زمان که شاهد اظهاراتی را بیان می‌کند و یا در مراحل بعدی رسیدگی قبل از جلسه دادرسی در دادگاه داده شده باشد.^۶ هرگاه رأی محکومیت متهم صرفاً بر اساس اظهارات شاهدهی صادر شده و یا به قطعیت رسیده باشد، در حالی که به متهم هیچ‌گاه فرصت سؤال و به چالش کشیدن این شخص نه در مرحله دادرسی و نه قبل از آن داده نشده باشد، دادرسی مغایر با مقررات ماده ۶

¹ Cross examination.

² UN Human Rights Committee, CCPR General Comment 32 (2007).

³ Bricmint v Belgium [1989] ECHR 12.

⁴ Dugin v Russian Fedration, HRC Communication 815/1998.

⁵ Asch v. Austria [1991].ECHR 28/para 27.

⁶ Mirilashvili v. Russia [2008] ECHR 16

کنوانسیون اروپایی خواهد بود.^۱ در پرونده Saidi علیه فرانسه دادگاه اروپایی تأکید کرد که اگرچه در راه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و نتایج مخرب ناشی از آن مشکلات انکار ناپذیری وجود دارد، مع الوصف چنین ملاحظاتی نمی تواند مانع از برخورداری متهمان از حقوق دفاعی گردد و در این پرونده چون اظهارات شاهد پرونده اساس و مبنای محکومیت متهم را تشکیل داده است و متهم هیچگاه در مراحل رسیدگی (نه در مرحله تحقیقات مقدماتی و نه در مرحله رسیدگی) فرصت به چالش کشیدن و سؤال از شاهد مربوطه را به دست نیاورده، فلذا نقض حقوق دفاعی متهم صورت گرفته است.^۲

ملاحظه مفاد اسناد بین المللی و رویه قضایی مراجع قضایی بین المللی حاکی از لزوم رعایت اصول متعددی است از جمله «اصل بی واسطه بودن»، «اصل شفاهی بودن»، «اصل ترائعی بودن» تحصیل دلیل از جمله استماع شهادت شهود است. اجرای همگی این اصول مستلزم آن است که متهم به همراه وکیلش در جلسه استماع شهادت شهودی که جهت درج اظهارات له و علیه او در پرونده تشکیل شده است و می تواند مبنای تصمیم نهایی باشد «حضور» داشته باشد و بتواند از شهود «استنطاق» و پرسشگری نماید. ملاحظه مقررات دادرسی کیفری ایران حاکی از آن است که متأسفانه قانونگذار هیچ یک از این اصول را مراعات نکرده است. اگرچه به متهم نیز در ماده ۲۰۴ حق معرفی شهود را اعطاء نموده، مع الوصف به او امکان حضور در جلسه استماع شهادت شهود را نداده است. این در حالی است که علاوه بر دادستان که وفق ماده ۷۴ و ۷۵ حق حضور در جلسه و انجام هرگونه سؤال و تحقیق از شهود را دارد و گاهاً قانونگذار اجازه تحقیق را به خود او اعطاء کرده است، شاکي و وکیل نیز می تواند مطابق ماده ۱۰۰ در جلسه استماع شهادت شهود له و علیه متهم حضور داشته باشد. مفاد ماده ۲۰۷ قانون آئین دادرسی کیفری حاکی از آن است که تنها به عدم حضور متهم تأکید کرده است. مطابق این ماده: «بازپرسی از هریک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم صورت می گیرد.» چگونه ممکن است متهم امکان حضور در جلسه استماع شهادت شهود را نداشته باشد و حتی نتواند از شهود پرسشگری کند. (حتی شهود خود) و چنین دادرسی منطبق بر اصل برابری سلاحها و انصاف تشکیل شده باشد!! هرچند در ماده ۲۰۷، تحقیق مجدد از شهود و مطلعان در موارد ضرورت و یا مواجهه آنان بلامانع دانسته شده است لکن این تجویز منافی اشکالات مزبور نخواهد بود؛ چرا که انجام مواجهه حضوری بین شهود، مطلعان و متهم و

¹ Unterperntinger v. Austria [1986] ECHR 15.

² Saeidi v. France [1993]. ECHR 39.

شاکي و متهم امري است اختياري و به ضرورت و تشخيص بازپرس بستگي دارد، در حالي که امر تحقيقات از شهود و استماع شهادت آنان امري است اجباري و سنگ بنای پرونده و دلایل در همان جلسه گذارده می شود. علاوه بر آن استماع شهادت شهود که در محضر بازپرسی صورت می گیرد و مفید علم است، مواجهه غالباً در نزد ضابطان صورت می گیرد و از اعتبار کمتری برخوردار است. به علاوه در جلسه استماع شهادت شهود، شهود به علت قسم خوردن پیش از اظهارات، خود را تا حدودی مقید به راستگویی می دانند و چنین امکانی در جلسه مواجهه نیست. در حقوق فرانسه نیز مقررات مشابهی پیش بینی شده است. وفق ماده ۱۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه شهود به صورت مجزی و بدون حضور اصحاب دعوی ادای شهادت می کنند. با این وجود، بازپرس می تواند شهود را با متهم و با یکدیگر مواجهه دهد. در زمان مواجهه وفق ماده ۱۲۰ بازپرس مدیریت جلسه را به صورت توافقی انجام می دهد. بازجویی ها، مواجهه ها و شهادت ها را مدیریت می کند. دادستان، وکلا، شهود می توانند سؤالات خود را مطرح نمایند و اعلام کفایت مذاکرات با بازپرس است و او می تواند هر زمان که تشخیص داد به مذاکرات پایان دهد و با سؤالات محل حسن جریان تحقیقات یا کرامت اشخاص نیز مخالفت کند؛ و در صورت مطالبه طرفین، به آنها علت درخواست را بیان می نماید. در حقوق فرانسه در جریان استماع شهادت شهود و مواجهه نیز امکان به کارگیری مترجم حسب شرایط وجود دارد. (ماده ۱۲۱ و ۱۰۲)

ب: الزامات حاکم بر نحوه استماع اظهارات شهود و مطلعین و ثبت آن

شاهد موظف است پیش از ادای شهادت خود سوگند یاد کند. متن این شهادت به شرح مندرج در ماده ۱۲۰ قانون آئین دادرسی کیفری است. به موجب این ماده « شاهد و مطلع پیش از اظهارات خود به این شرح سوگند یاد می کنند. به خداوند متعال یاد می کنم که جز راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم.» اگر شاهد یا مطلع نخواهند سوگند یاد کنند و یا واجد شرایط شهادت شرعی نباشند، بازپرس حسب ماده ۱۲۱ « بدون یادکردن سوگند اظهارات او را برای اطلاع بیشتر استماع می کند.» نکته واجد اهمیت آن است که آنچه که از ناحیه شاهد یا مطلع اجباری و لازم الاجرا است، حضور نزد بازپرس است. مع هذا پس از حضور به هیچ وجه امکان اجبار وی به بیان و اظهار امکان پذیر نیست. براساس اصل ۳۸ قانون جمهوری اسلامی ایران نمی توان شاهد یا مطلع را مجبور به شهادت نمود و چنین ۳ شهادتی فاقد اعتبار است. حتی سکوت شاهد در نظام حقوقی ایران فاقد ضمانت اجرای کیفری است. این در حالی است

که اگر شاهد اقدام بر شهادت دروغ نماید حسب ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی مجازات خواهد شد. [حبس و جزای نقدی] در نظام حقوقی فرانسه شاهد مکلف است در بازپرسی حاضر شود، سوگند بخورد، سکوت نکند و اطلاعات خود را برای مقام قضایی صادقانه بیان نماید و در صورتی که به این تعهدات خود عمل نکند، در معرض مجازات شهادت دروغ قرار خواهد گرفت؛ مگر اینکه عدم افشای اطلاعات به دلیل رعایت رازداری حرفه ای باشد. (نظیر پزشکان و روزنامه نگاران) [ماده ۱۰۹]. رأی **گود وین**^۱ در این زمینه جالب به نظر می‌رسد. خبرنگاری مبادرت به درج مقاله‌ای در ارتباط با وضعیت سلامت مالی یک بنگاه اقتصادی می‌کند. بنگاه مزبور که از انعکاس خبر این موضوع نگران بوده به قاضی مراجعه کرده و از او درخواست می‌کند که از خبرنگار فوق الذکر خواسته شود هویت منابع اطلاعاتی خود را افشا کند. قاضی به درخواست بنگاه اقتصادی پاسخ مثبت می‌دهد و در مقابل امتناع خبرنگار) به اتهام امتناع از پذیرش تقاضای دادگاه او را به پرداخت جزای نقدی محکوم می‌کند. دیوان اروپایی حقوق بشر، بریتانیا را به علت نقص ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مدافع آزادی بیان است، محکوم می‌کند، نظر دیوان بر آن بوده است که صدور دستور افشاء، ارتباط معقولانه‌ای با اهداف مشروع مندرج در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ندارد.^(۲) در فرانسه در صورت عدم حضور شاهد، علاوه بر جلب توسط مأموران دولتی به مجازات جزای نقدی خلاف‌های طبقه ۵ [توسط بازپرس] محکوم شود. مطابق ماده ۱-۱۵-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه این مبلغ ۳۷۵۰ یورو خواهد بود. در صورت حضور شاهد وفق ماده ۱۰۳ باید سوگند یاد کند که تمام حقیقت را بگوید و جز حقیقت نگوید. در غیر اینصورت در معرض مجازات کیفری (مجازات عدم حضور) قرار می‌گیرد. در نهایت اگر شاهد، شهادت دروغ دهد نیز حسب مواد ۱۳-۲۲۶ و ۱۴-۲۲۶ به مجازات شهادت دروغ محکوم خواهد شد. مجازات کتمان شهادت و عدم افشای حقیقت نیز معادل مجازات شهادت دروغ خواهد بود. تمام اوصاف کیفری فوق به شاهد قبل از ادای شهادت تفهیم خواهد شد. همانگونه که گفته شد کتمان حقیقت از ناحیه شاهد در نظام کیفری ایران مجاز دانسته شده است. این در حالی است که مطابق نص صریح قرآن کریم در آیه ۲۸۳ سوره بقره افراد از کتمان شهادت نهی شده‌اند و در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: «ولا تکتوما الشهاده و من یکتها فانه ءاثم قلبه» یعنی و شما آن شاهدان شهادت را پنهان نکنید و هر که آن را پنهان کند، یقیناً دلش گناهکار است. شهادت دروغ دارای ضمانت اجرای کیفری شدید

^۱ Good win

حبس و جزای نقدی است. به این دلیل ماده ۲۰۹ قانون آئین دادرسی کیفری بازپرس را ملزم نموده است که پیش از شروع به تحقیق حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم کند. بدیهی است با وصف فوق «حرمت» ناظر به کتمان شهادت و مجازات «ناظر به شهادت دروغ» خواهد بود. باز پرس مشخصات شاهد اعم از نام، نام خانوادگی، نام پدر و... را به شرح ماده ۲۰۹ سؤال و در صورت مجلس قید نماید. تقدم و تأخر بازپرسی از شهود به صلاحدید بازپرس است. (ماده ۲۰۸) لکن این بازپرسی باید جداگانه و بدون حضور متهم باشد. (ماده ۲۰۷) منشی اطلاعات شهود و مطلعان را ثبت می‌کند و سپس بازجوئی از آنان آغاز و اظهارات آنها در صورت مجلس قید می‌شود و به امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می‌رسد و چنانچه از امضاء یا اثر انگشت امتناع یا از ادای شهادت خودداری کند یا قادر در انجام آن نباشد مراتب در صورت مجلس قید می‌شود و تمام صفحات صورت مجلس به امضاء بازپرس و منشی می‌رسد. (ماده ۲۱۲). حسب تبصره ماده ۲۱۲ «بازپرس مکلف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضاء یا اثر انگشت یا ادای شهادت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند.» بدیهی است قید این مطلب ضروری است و هدف از آن رفع احتمالی موانع پیش روی شاهد از ادای شهادت است. نظیر اقدامات حمایتی از وی و خانواده و یا ادای شهادت به صورت ناشناس (ماده ۱۱۴ تبصره‌های آن)، لزوم انتخاب مترجم در مورد شهودی که امکان تکلم به زبان رسمی دادگاه را ندارند در ماده ۲۰۱ قانون آئین دادرسی کیفری شناسایی شده است. رعایت ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری از حیث شیوه نوشتن اظهارات و ممنوعیت نوشتن بین سطور، قلم خوردگی، تراشیدگی کلمات و... در این مقطع نیز ضروری است. ماده ۱۱۵ صراحتاً مقرر داشته است: «رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری الزامی است. در صورت قلم خوردگی جزئی موضوع باید در ذیل برگه توضیح داده شده و به امضاء اشخاص فوق برسد.»

بند دوم: تضمین افشای اسناد از طریق تبادل مستندات دعوی

واضح ترین مفهوم اساسی مشترک میان انواع سیستم‌های دادرسی این است که هر دو طرف دعوا باید استماع شوند. این اصل به عنوان یک از مهم ترین اصول حاکم بر دادرسی های مدنی است که در جهت ترافعی نمودن آئین دادرسی و تحقق اصل برابری سلاح ها باید در فرایند دادرسی کیفری نیز هرچه بیشتر مراعات گردد. به موجب این اصل قضات هرگز نباید مجاز به اتخاذ تصمیم قضایی بر مبنای اطلاعاتی به غیر از آنچه در جریان دادرسی ارائه شده و

در معرض بحث و مجادله بین طرفین قرار گرفته است، باشند.^۱ به موجب اصل تناظر، هریک از طرفین دعوی، اعم از خواهان و خوانده حق دارند در زمانی مناسب نسبت به تمام عناصر ارائه شده به قاضی یا استخراج شده از جانب او که قابلیت تاثیر بر نتیجه دادرسی دارند مطلع شود و امکان مناقشه در خصوص عناصر مزبور را قبل از اتخاذ تصمیمی که موثر بر حقوق و منافع اوست داشته باشد. این ویژگی که از مهم‌ترین عناصر دادرسی اتهامی است^۲، محقق ساختن امکان تناظر و ترافع طرفین دعوی را قادر می‌سازد دعوی مربوط به خود را بدون محدودیت اقامه نمایند و این موضوع مبنا و اساس انصاف را تشکیل می‌دهد و ناظر بستر مناسبی برای اجرای اصل برابری سلاح‌ها فراهم خواهد ساخت. ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اجرای اصل برابری سلاح‌ها و حقوق ناظر به آن را در بستر دادرسی اتهامی قابل اعمال می‌داند و لذا تعجب‌آور نیست که آرای صادره از محاکم تابع حقوق نوشته (برخلاف حقوق کامن لاء) در موارد متعددی توسط دیوان اروپایی حقوق بشر مغایر با اصل برابری تشخیص داده شده باشند. برابری طرفین دعوی در جریان دادرسی مهم‌ترین تضمین دفاعی است و محور و بنیاد اصل برابری سلاح‌ها را تشکیل می‌دهد. دادگاه اروپایی حقوق بشر در آراء متعددی اصل تناظر را به عنوان اساسی‌ترین رکن حق بر دادرسی عادلانه معرفی و تاکید می‌کند که دادرسی ترافعی مستلزم آن است که برابری سلاح‌ها بین اصحاب دعوی به نحو دقیق مراعات گردد. اصحاب دعوی کیفری عبارتند از «متهم» و کیل وی، «شاکی» یا «مدعی خصوصی» و وکیل او و در نهایت «دادستان» و یا نمایندگان دادسرا که در جلسه رسیدگی حضور دارند و حسب مورد از حقوق خصوصی یا عمومی در فرایند دادرسی کیفری دفاع می‌کنند. تحقق دادرسی منصفانه و به ویژه اصل برابری سلاح‌ها مستلزم آن است که لوایح دفاعیه تقدیمی طرفین برای طرف‌های دیگر مبادله شود تا آنها بتوانند از مفاد دفاعیات یکدیگر اطلاع یابند.^۳ از سوی دیگر ضرورت افشاء ادله (افشاء مستندات اتهام) مؤلفه دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. لایحه دفاعیه به نوشتاری گفته می‌شود که از سوی اصحاب دعوی - چه دعاوی حقوقی و چه دعاوی کیفری - به مقام قضایی تقدیم می‌شود تا سبب امتناع وجدان دادگاه را در پی داشته باشد البته در عرف رایج چنانچه این نوشتار توسط وکیل نوشته شده باشد عنوان لایحه به آن صدق

^۱ Bachand. 2005, 277

^۲ شمس، عبدالله، (۱۳۸۱)، اصل تناظر، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی (۳۶-۳۵)

^۳ <http://fa.m.wikipedia.org>.

می‌کند.^۱ وظیفه اصلی دادگاه به‌عنوان "داور بی طرف" آن است که برابری و توازن بین اصحاب اصحاب دعوی را تضمین نماید. بدین نحو که هریک از اصحاب دعوی بتوانند ادله و اسناد و مدارک ارائه شده توسط دیگر را ملاحظه و به چالش بکشند.^۲ از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر این توازن بدان معنی است که اصحاب دعوی فرصت اطلاع یافتن و ملاحظه و اظهار نظر در خصوص کلیه اسناد و مدارک مورد استناد و یا لویح ضمیمه شده به پرونده توسط طرف مقابل را داشته باشند. به عبارت دیگر هریک از اصحاب دعوی باید از فرصت معقول برای اقامه دعوی و ارائه ادله و مدارک خود در شرایطی که نسبت به طرف مقابل در وضعیت نامتوازن اساسی قرار نگرفته باشند بهره‌مند گردد. در پرونده MC Michael علیه انگلستان^۳ که موضوع آن بازداشت یک طفل بود، دادگاه اروپایی حقوق بشر تصریح کرد که حق متهم مبنی بر بهره‌مندی از دادرسی عادلانه مورد نقض قرار گرفته است چرا که گزارشات پلیس در خصوص وی در اختیار طفل قرار نگرفته و بدین ترتیب والدین طفل در وضعیت نامتوازی نسبت به دادستان قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب آنچه از مجموعه آراء صادره از دیوان اروپایی حقوق بشر و اصول دادرسی منصفانه و اصل برابری سلاحها می‌توان نتیجه گرفت آن است که کلیه مستندات و ضامائم پرونده به محض وصول و ضمّ به آن باید به اطلاع طرف مقابل رسیده و تبادل گردند تا بتواند برای دفاع شایسته در برابر آن خود را مهیا سازد. در حقوق ایران آنچه به مفهوم "تبادل لویح" شناخته شده است، در قانون آئین دادرسی مدنی و خاص دعاوی حقوقی است. در دعاوی کیفری قانونگذار در غالب موارد ضرورتی به تبادل لویح و اسناد و مدارک و مستندات دعوی ندیده است خواه آنچه توسط شاکی یا متهم به پرونده ضمیمه شده است و خواه آنچه که در اثر تحقیقات پلیسی یا استعلامات دادگاه فراهم آمده است لکن قانونگذار فرانسوی در غالب موارد لزوم تبادل اسناد و مدارک و لویح دفاعیه را ضروری اعلام و ضمانت اجرا برای آن تعیین کرده است. قانونگذار ایرانی مقرره خاصی برای پرداختن به موضوع مستندات و لویح دفاعی پیش بینی نکرده و به طور کلی اصحاب دعوی را مجاز دانسته است تا قبل از ختم دادرسی هرگونه مطلبی ضروری می‌دانند [کتبا یا شفاه] اظهار نمایند و دادگاه نیز ملزم به استماع آن است بدون اینکه ضرورتی به تبادل آن با طرف دیگر باشد. (ماده ۳۷۱) مفهوم مخالف این مقرره این است که دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی نمی‌تواند لویح، اسناد و مدارک جدیدی دریافت

¹ Dumbo Beheer B .V the Netherlands [1993] ECHR49 and Ankel v. Switzerland [1996] ECHR 45.

² MCMichael v. the united kingdom [1995] ECHR 8.

³ MCMichael v. the united kingdom [1995] ECHR 8.

نماید (ماده ۳۷۳) البته حسب مقررہ ۳۵۱ حق شاکی یا مدعی خصوصی و متهم و وکلای آنها برای مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده و تحصیل اطلاعات لازم و حتی تهیه تصویر از اوراق پرونده مجاز شمرده شده است و آنان می‌توانند از این طریق از اظهارات یکدیگر اطلاع یابند لکن به خوبی پیداست که این اقدام تنها در صورت اطلاع یافتن آنها از اقدام طرف مقابل در تودیع لوائح دفاعی یا وصول پاسخ استعلام امکان پذیر است و به هیچ وجه قابل مقایسه با تکلیف دادگاه برای تبادل مستندات نیست. در دادگاه کیفری یک نیز که رسیدگی در دو مرحله جلسه مقدماتی و جلسه رسیدگی صورت می‌گیرد، ماده ۳۸۷ مدیر دفتر دادگاه را مکلف نموده است که به متهم و وکیل او و حسب مورد به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار نماید تا تمام ایرادات و اعتراضهای خود را ظرف ده روز از ابلاغ تسلیم کند. پس از وصول ایرادات و اعتراضات دادگاه اقدام به تشکیل جلسه مقدماتی اداری می‌نماید و با توجه به گزارش و اوراق پرونده و ایرادها و اعتراض‌های اصحاب دعوی تقسیم مقتضی را اتخاذ می‌نماید. حسب تبصره ماده ۳۸۹ «دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، دادستان یا نماینده او شاکی، مدعی خصوصی، متهم و یا وکلای آنان را برای حضور در جلسه مقدماتی دعوت کند» طبعاً در صورت دعوت از اصحاب دعوی و حضور آنان در این جلسه می‌توانند از لوائح تودیع شده یکدیگر اطلاع یابند و در غیر اینصورت الزامی به تبادل این لوائح وجود ندارد. در حقوق کیفری فرانسه، قانونگذار حق اصحاب دعوی مبنی بر «افشای مستندات» را به طور قاطع تری تضمین نموده است در دادگاه جنائی به محض وصول پرونده، رئیس دادگاه پرونده را در صورتی بررسی می‌کند که برای رسیدگی و قضاوت تکمیل باشد. در صورت نقص تحقیقات یا کشف عناصر جدید پس از اتمام تحقیقات رئیس دادگاه دستور می‌دهد که هر عمل تحقیقاتی و بازجوئی که مفید به نظر می‌رسد صورت گیرد (ماده ۸۳) این تحقیقات یا توسط رئیس دادگاه و یا مستشاران او و یا بازپرسی که برای این منظور انتخاب شده است صورت می‌گیرد. اسناد و مدارک و صورتجلسات جمع‌آوری شده در جریان تحقیقات فوق‌العاده، به دفتر دادگاه سپرده و به پرونده دادرسی ضمیمه می‌شوند. این اسناد در اختیار دادرسا و طرفین دعوی که توسط مدیر دفتر از تودیع آنها مطلع شده‌اند قرار می‌گیرند. (ماده ۲۸۴) مطابق ماده ۲۷۹ به هر کدام از متهمین و طرفین دعوی خصوصی به طور رایگان رونوشت صورتجلسات که حاوی نوع جرم، شهادت کتبی شهود و گزارش‌های کارشناسی است داده می‌شود. اصل برابری سلاح‌ها ایجاب می‌کند که طرفین از مشخصات شاهدهی که می‌خواهد علیه آنها ادای شهادت نماید مطلع باشند و بتوانند تحقیقات خود را در خصوص وی صورت دهند و جهت اثبات موضوعاتی چون، کذب

شهادت، عدم وجود شرایط قانونی شاهد، وجود تعارض منافع و سایر جهات جرح و به چالش کشیدن آنها اقدام نماید. بدیهی است اگر طرفین تنها در زمان تشکیل جلسه و ادای شهادت، شاهد را ببینند و یا با وی آشنا شوند به هیچ وجه امکان به چالش کشیدن آنها (به عنوان یکی از حقوق مسلم دفاعی) وجود ندارد. از اینرو قانونگذار فرانسوی در ماده ۲۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری، طرفین (دادسرا، شاکی، متهم) را ملزم نموده است، فهرست اشخاصی که تمایل دارند به عنوان شاهد استماع شوند را حداقل ۲۴ ساعت قبل از برگزاری مذاکرات به یکدیگر اطلاع و ابلاغ نمایند. اسامی کارشناسان دعوت شده نیز در همان شرایط باید ابلاغ گردد. شهود دعوت شده توسط دادسرا یا طرفین دعوی حتی اگر در مرحله تحقیقات شهادت نداده باشند یا اگر در دادگاه حاضر نشده باشند به شرط اینکه اسامی آنها بر طبق مقررات ماده ۲۸۱ ابلاغ شده باشد در جلسه استماع می شوند (ماده ۳۲۹). دادسرا و طرفین دعوی می‌توانند به استماع شهودی که نام آنها ابلاغ نشده است یا به طور غیر منظم ابلاغ شده است اعتراض کنند دادگاه در این مورد تصمیم‌گیری می‌نماید. اگر دادگاه اعتراض آنها را قبول کند این شهود می‌توانند به عنوان مطلع و بر طبق اختیار محتاطانه ای که رئیس دادگاه در کنترل اوضاع دارد استماع شوند. (ماده ۳۳۰) چنین الزامی برای دادستان و یا مدعی خصوصی و شاکی و حتی متهم در مقررات قانون آئین دادرسی کیفری ایران به چشم نمی‌خورد. در ماده ۳۲۰ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر شده است که شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می‌شود و در ماده ۳۲۲ پس از حضور و پیش از شروع تحقیق از شاهد، دادگاه حرمت و مجازات شهادت دروغ را به او تفهیم می‌کند پس از اخذ مشخصات سوابق محکومیت کیفری قرابت نسبی یا نسبی، وجود یا عدم وجود رابطه خادم و مخدومی را از وی سوال و در صورتجلسه قید می‌نماید. ملاحظه می‌شود که پاسخ این سوالات که بعضاً از «جرح شاهد» به حساب می‌آیند را شخص شاهد به دادگاه می‌دهد و فرصتی برای طرفین از قبل از جلسه رسیدگی برای بررسی این موضوعات پیش بینی نشده است. از سوی دیگر در ماده ۳۹۸ قانونگذار به دادستان، متهم، شاکی، مدعی خصوصی و یا وکلای آنان اجازه داده است که تحقیق از اشخاص حاضر در دادگاه را درخواست کنند و دادگاه در صورت ضرورت موظف است از آنها تحقیق نماید هرچند از قبل احضار نشده باشند. ملاحظه می‌شود که در این ماده به طور کلی امکان بررسی قبلی شرایط شاهد یا تدارک دفاع در برابر وی برای طرفین در نظر گرفته نشده است و دادگاه می‌تواند از اشخاص حاضر در دادگاه اعم از گواهان، مطلعان و امثال آنها دفعتاً واحده تحقیق نماید.

نتیجه گیری

افشاء مستندات اتهام، ریشه در حق افراد در بهره‌مندی از دادرسی منصفانه دارد. با دسترسی متهم به مستندات دادستان، اعتبار و مرتبط بودن شهود دادستان قابل آزمودن و اعتبارسنجی است. از سوی دیگر فرایند دادرسی نیز ممکن است کوتاه تر شود چرا که ممکن است متهم در وضعیتی باشد که مفاد اظهارات شهود و مستندات دادستان را که مغایرتی با منافع او ندارد؛ بپذیرد. افشاء مستندات اتهام، اصل برابری سلاح‌ها را نیز در فضایی توافقی تقویت می‌کند و در نتیجه تحقق دادرسی منصفانه را در سیستم‌های عدالت کیفری در پی خواهد داشت. لزوم افشای دلایل توسط متهم در برابر دادستان در مرحله پیش از محاکمه موجب افزایش راندمان و کارآمدی در رسیدگی‌ها می‌شود. افشاء مستندات اتهام، مانع از مخفی کردن واقعیت توسط متهم و ارائه دلایل در دقایق پایانی توسط او می‌شوند به ویژه اگر رد این دلایل توسط دادستان نیازمند اعطاء فرصت جهت انجام تحقیقات و تفحص در خصوص صحت و سقم آنها باشد. بنابراین از آنجا که عدم افشای دفاعیات متهم به ویژه دلایلی که نیازمند بررسی و تحقیقات خاص علمی است، دولت را در موقعیت نامتوازنی نسبت به متهم قرار می‌دهد و در مقابل عدم افشای دلایل و مستندات دعوی که در مرحله تحقیقات مقدماتی و با اعمال اختیارات گسترده دادسرا تحصیل شده است، متهم را در موقعیت نامتوازنی نسبت به دادستان قرار می‌دهد، از این رو و در راستای اجرای اصل برابری سلاح‌ها و تضمین انصاف در دادرسی اجرای افشاء مستندات اتهام، در مرحله پیش از محاکمه (تحقیقات مقدماتی) و نیز مرحله محاکماتی امری اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد.

منابع

- ۱- آخوندی، محمود، (۱۳۶۷)، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- ۲- آخوندی، محمود، (۱۳۷۸)، آئین دادرسی کیفری، جلد دوم.
- ۳- آخوندی، محمود، (۱۳۷۹)، آیین دادرسی کیفری، ج ۴، نشر اشراق، چ اول.
- ۴- آخوندی، محمود، (۱۳۸۴)، آئین دادرسی کاربردی کیفری، جلد ۵، چاپ دوم، نشر میزان.
- ۵- آشوری، بشیریه، هاشمی یزدی، (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش، چاپ اول.
- ۶- آشوری، محمد، (۱۳۷۵)، آئین دادرسی کیفری، ج اول، انتشارات سمت، چ اول.
- ۷- آشوری، محمد، (۱۳۷۸)، نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مجله مجتمع آموزشی آموزش عالی قم، سال اول، شماره سوم.
- ۸- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۵) تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳.
- ۹- بوریکان، ژان، سیمون، آن ماری، (۱۳۸۹)، قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه عباس تدین، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- ۱۰- مودن زادگان، حسنعلی. تضمین حقوق متهم، خبرنگار کانون وکلای دادگستری استان اصفهان، شماره ۴، ص ۹.
- ۱۱- سعید شیخ دادرسی عادلانه در دادگاه‌های نظامی در پرتو اسناد و کنوانسیون‌های بین المللی منتشره در بایسته های پژوهش در نظام عدالت کیفری انتشارات میزان چاپ اول ۱۳۹۲.
- ۱۲- وروائی، اکبر، بهرامی پور، رسول، پراکوهی، احسان، (۱۳۹۳)، حقوق متهم تحت نظری در نظام حقوق کیفری ایران، انتشارات بهنامی، چاپ اول.
- ۱۳- شمس، عبدالله، (۱۳۸۱)، اصل تناظر، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی (۳۶-۳۵).
- ۱۴- مصطفی فضائی، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین المللی، انتشارات شهردانش، چاپ سوم، بهار ۹۴.
- ۱۵- دیبازاد، شایسته، آئین دادرسی کیفری در نظم کنونی، ص ۳۶۷.
- ۱۶- طه، فریده، اشراقی، لیلیا (۱۳۸۶)، دادرسی عادلانه، تهران، میزان، چاپ اول.

- ۱۷- ساقیان، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، اصل برابری سلاحها در فرایند کیفری با تکیه بر حقوق ایران و فرانسه، مجله حقوق قضایی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷.
- ۱۸- دیبازاد، محسن، شایسته، یعقوب، (۱۳۹۴)، قانون آئین دادرسی کیفری در نظم کنونی، انتشارات مجد.
- ۱۹- خالقی علی، (۱۳۹۴)، نکته ها در قانون آئین دادرسی کیفری، انتشارات شهر دانش، چاپ اول.
- ۲۰- خالقی، علی، (۱۳۹۴)، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران، شهر دانش.
- 21- Azzopardi "Disclosure at the Police Station, The Right of Silence and DPP v Ara" 2002 Criminal Law Review 295 297.
- 22- Bachand. Federic (2005). The proof of foreign Normative facts which. Influence domestic Rules. Sgood Hall law journal, 43(3).
- 23- McEwan Co- operative Justice and the Adversarial Criminal Trial: Lessons from woolf report in Doran & Jackson (eds) The Judicial Role in CRIMINAL Proceedings (2000) 171 179; McEWAN Evidence and the Adversarial Process (the Modern Law) 2 ed (1998)18.
- 24- Griffith Pre-trial Defence Disclosure: Background to the Criminal Procedure Amendment (pre-trial Disclosure) Bill 2000 Briefing Paper No 12/2000 introduction.
- 25- Maude " Reciprocal Disclosure in Criminal Trials: Stacking the Deck against the Accused, or Calling Defence Counsel`s Bluff? "1999 Alberta Law Review 715 717.
- 26- Tochor and Kilback "Defence Disclosure: Is it Written in Stone?" 2000 Criminal Law Quarterly 393 407-408.
- 27- Negri "The Principle of `Equality of Arms` and the Evolving Law of International Criminal procedure" 2005 International Criminal Law Review 513 551.
- 28- S.Guincharde t alii, Droit Processule-Droit Commun et droit compare`. Paris précis. 3 eed. 2005. p. 1166.
- 29- Hinton "Unused Material and the Proseceutor`s Duty Of Disclosure" 2001 Criminal Law Journal.